

هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل و یا فساد در زمین
بکشد، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است و
هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که
گوئی همه مردم را زنده کرده است.

قرآن کریم | سوره مائده | آیه ۳۲

آیات

نشریه فرهنگ اجتماع

دوستان عزیز شما می توانید برای ارتباط با ما و یا دادن آگهی از ایمیل abtabjournal@gmail.com استفاده کنید و یا با شماره تلفن های ۰۹۳۸۱۹۶۰۴۹۲ و ۰۹۳۶۷۲۲۰۳۲۰ تماس حاصل فرمائید. همچنین، می توانید مقالات خود را به ایمیل abtabarticle@gmail.com ارسال کنید. هر یک از شما دوستان عزیز در ایران و حتی دور از مرزهای سرزمین مادری، می توانید خبرنگار افتخاری ما باشید. مطالب شما در صورت تأیید صحت آنان توسط کارشناسان آبتاب به نام نویسنده ی آن چاپ خواهند شد. لطفا نظرات، پیشنهادات و راهکارهای سازنده خود را از ما دریغ نفرمائید. ماهنامه آبتاب هر ماه به بهترین پیشنهادها، راهکارهای سازنده و مقالات هدیه ای به رسم یادبود اهداء خواهد کرد. از اینکه همراه و یاور ما در راه اعتلای فرهنگ کشور عزیزمان ایران هستید، صمیمانه سپاسگزاریم. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نشریه الکترونیکی آبتاب

دوره انتشار: ماهنامه

موضوع: فرهنگی-اجتماعی

زبان: فارسی

شروع انتشار: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه مهسا کارآموزیان

رئیس شورای سیاست گذاری: مرتضی رجائی خراسانی

مشاور حقوقی: سید جمال موسوی

مشاور هنری: مهسا مستقیم

مدیر فنی: شارا سرکیسیان

هیأت تحریریه: دکتر حسین بیات-محمد علیزاده ثانی- دکتر غلامرضا شریفی- دکتر مهتری نجات- دکتر امید نوری

نیلا وفائیان- محمدعلی کیهانی-استاد شکوفه دیوانی- صدیقه انجم شعاع

طراح گرافیک و صفحه آرا: عادل خداوردی (استودیو گرافیک زیگورات)

مدیر اجرایی: آذر سعیدلونیا

آدرس: تهران، شهرک غرب، خیابان گل افشان.

آدرس پایگاه خبری: www.abtaab.ir

ضریب کیفی نشریه فرهنگی اجتماعی آبتاب براساس جلسه مورخ ۳/۱۰/۹۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی برابر با

۷۳ اعلام شده است.

سخن سردبیر

فاطمه مهسا کارآموزیان

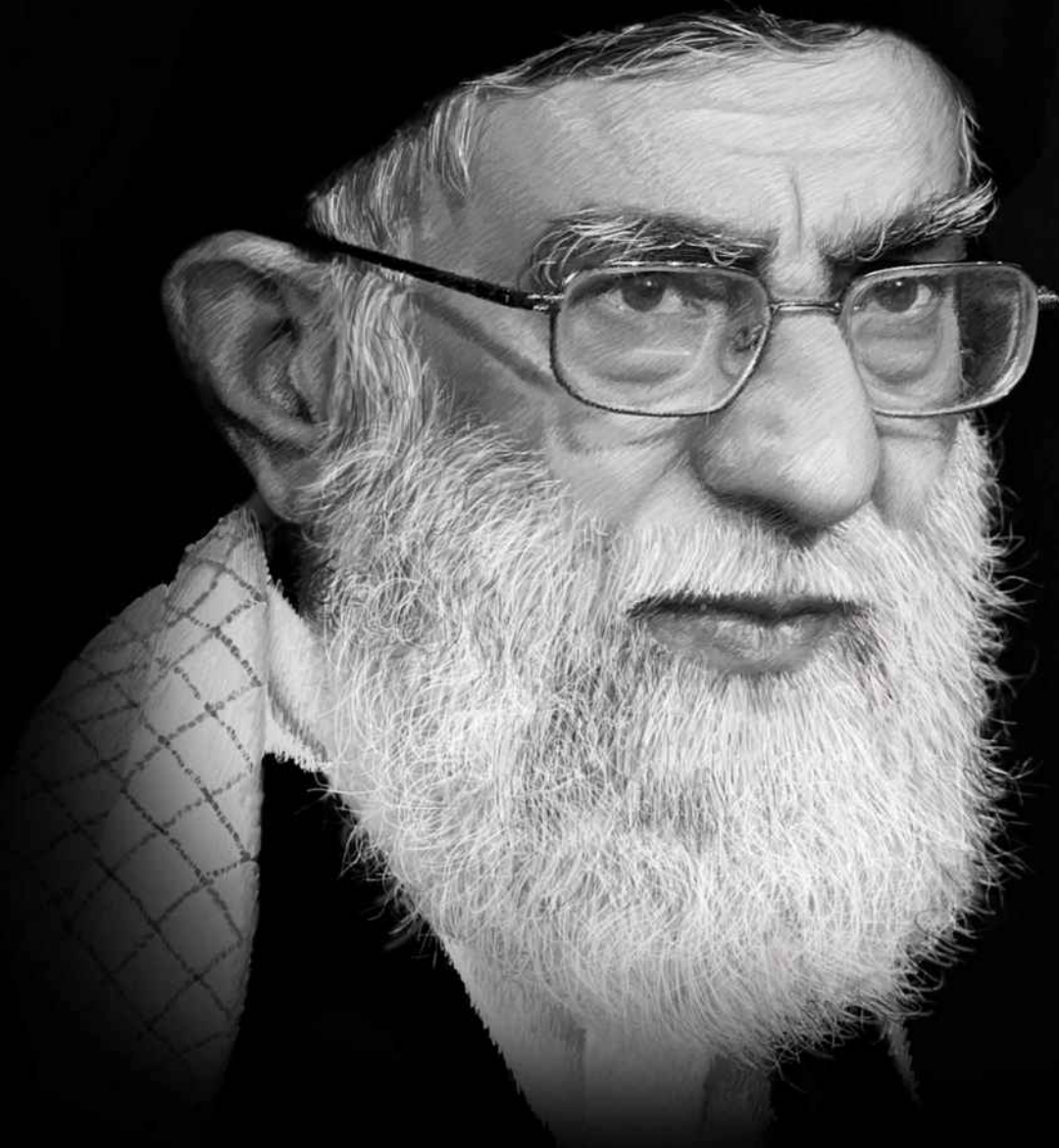
با وجود آنکه میانمار به برخی از کنوانسیون های بین المللی تعهد دارد، اما اقلیت های مذهبی و بویژه مسلمانان را به شدت سرکوب می کند. در مورد مسلمانان تبعیض سیستمیکی در این کشور اجرا می شود که به طور آشکاری دسترسی به حقوق شهروندی مانند: تحصیل، اشتغال، ازدواج و زاد و ولد را در مورد آنان منع می کند. مسلمانان روهینگیایی گذرنامه دریافت نمی کنند و چنانچه سفر کنند، تحت تعقیب قانونی قرار می گیرند و راهی زندان می شوند. وضعیت آموزش و پرورش و بهداشت در مناطق مسلمان نشین اسفناک است. تخمین زده می شود که حدود ۸۰ درصد مسلمانان روهینگیایی بیسواد هستند. مردم مسلمان از عدم وجود عدالت و پاسخگویی دولت رنج می برند و با وجود نسل کشی که اخیرا در میانمار رخ داده، اوضاع به شدت وخیم است، بطوریکه با یک بحران ضد بشری در دناک روبرو هستیم و هنوز بسیاری از افرادی که فرار کرده اند یا زخمی هستند و یا بیمار و بدون حداقل نیازهای اولیه (حتی آب و غذا) در حاشیه ی مرزها آواره مانده اند. هیچ آمار دقیقی از تعداد کشته ها در دست نیست و برخی آمار غیررسمی تعداد کشته ها را چندین هزار نفر تخمین زده اند و از آنجا که اجساد مسلمانان توسط بودائیان سوزانده و معدوم می شوند، کار دشوارتر است. جنایت برمه به حدی فجیع و دردناک است که زخم آن همیشه بر تاریخ خواهد ماند. ای کاش دنیا آنقدر امن بود که دیگر هیچ انسانی را در رنج و درد نمی دیدیم.

با نگاهی به تاریخ میانمار درمی یابیم که همیشه آزار و شکنجه مسلمانان در این کشور وجود داشته است که متأسفانه اخیرا به شکل نسل کشی نمود پیدا کرده است. میانمار کشوری با اکثریت بودائی است که از این میان تنها ۴ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند و از قرن ۱۱ میلادی در آنجا زندگی می کرده اند. پس از کودتای ۱۹۶۲ در این کشور، اکثر مسلمانان از ارتش و مناصب دولتی کنار گذاشته شدند. در سال ۱۹۸۲ دولت مقرراتی صادر کرد که به استناد آن هر شهروندی که نتواند ثابت کند قبل از سال ۱۸۳۲ در این کشور زندگی می کرده است، از تابعیت خارج می شود. این قانون باعث خروج بسیاری از مسلمانان از کشور شد، حتی اگر چند نسل در میانمار زندگی کرده بودند.

بزرگترین گروه مسلمانان میانمار، روهینگیایی ها هستند که به شدت تحت ستم دولت نظامی می باشند. از سال ۱۹۴۸ دولت های میانمار با ۱۳ عملیات نظامی پی در پی، با نیروهای امنیتی خود مسلمانان این کشور را از زمین هایشان رانده و مساجد آنها را سوزانده اند. این گروه از مسلمانان مورد غارت قرار گرفته و مقامات از آنها اخاذی می کرده اند و در این شرایط بسیاری از آنها تحت کار اجباری بوده اند. بسیاری از زمین های مسلمانان که اکثرا زراعی بوده توسط دولت مصادره شده و بین بودایی ها مجددا تقسیم شده است.

برخی از اتفاقات مانند اقدامات ضدبودائی طالبان در افغانستان (تخریب بوداهای بامیان) نیز به عنوان بهانه ای برای اعمال خشونت علیه مسلمانان در برمه بوده است. سازمان دیده بان حقوق بشر گزارش می دهد که در اواسط ماه می ۲۰۰۱، راهبان بودایی خواستار آن شدند که مسجد حتان در «تونگو» را در تلافی به تخریب «بوداهای بامیان» خراب کنند. در سال ۲۰۱۴ ادعای یک زن بودایی با یک پست در فیس بوک که در آن ادعا می کرد مورد تجاوز یک مرد مسلمان قرار گرفته است، موجی از خشم و انتقام را مجددا به سوی مسلمانان روانه کرد. در سال ۲۰۱۶ با یک توطئه ی دیگر مسجدی در منطقه ی باگ حدود ۶۰ کیلومتری شمال غربی پایتخت تخریب شد.

در اواخر سال ۲۰۱۶، نیروهای نظامی میانمار و بودائی های افراطی سرکوب شدید مسلمانان روهینگیایی را در منطقه غربی کشور راخین به بهانه حمله به پایگاه پلیس مرزی آغاز کردند که منجر به نقض گسترده حقوق بشر توسط نیروهای امنیتی برمه شد. در این میان خانم آنگ سان سوچی برنده ی جایزه صلح نوبل که در رأس این دولت قرار دارد، سکوت کرد و کشتار بیرحمانه ی مسلمانان را نادیده گرفت.



سخنان مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) درباره ی کشتار مسلمانان میانمار: زن و این همه بی رحم؟

حقیقتاً یک حادثه ی کم نظیر در میانمار جلوی چشم کشورهای اسلامی، دولت های اسلامی، جلوی چشم یک و نیم میلیارد مسلمان، جلوی چشم مجامع جهانی مدعی و دولت های ریاکار دروغگوی مدعی حقوق بشر اتفاق افتاده است. یک دولت بی رحم که در رأس آن زن بی رحمی است که جایزه صلح نوبل را گرفته است. یک جمع مردم بی پناه را می کشند، آتش می زنند، خانه هایشان را ویران می کنند و آنها را بیرون می کنند. فاتحه جایزه نوبل را با این کار خواندند. اعطای جایزه صلح نوبل به یک انسان به این بی رحمی، زن و این همه بی رحم! انسان واقعا حیرت می کند از این وضعیتی که بشریت در دنیا به آن دچار شده است. متأسفانه، دنیا دنیای ظلم است. جمهوری اسلامی باید این افتخار را برای خودش حفظ کند که علناً و صریحاً علیه ظلم حرف بزند، چه این ظلم در مناطق اشغال شده بوسیله ی صهیونیست ها باشد، چه در یمن و بمباران مردم یمن باشد، چه در هر نقطه ی دیگری باشد و یا در میانمار؛ جمهوری اسلامی باید در این موارد موضع شجاعانه و صریح خودش را اتخاذ کند.



آخرین فرصت آن آنگ سان سوچی برای
جلوگیری از کشتار مسلمانان روهینگیا
او از لیست سازمان ملل خارج می شود!

نویسنده: هلن نایاناس

آنگ سان سوچی در نشست عمومی مجمع سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ سخنرانی کرد، او در سال ۲۰۱۷ در مجمع ظاهر نخواهد شد.

قرار بر این بود که آنگ سان سوچی در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل به نیویورک سفر کند، در عوض رهبر واقعی میانمار در کشور خود در تلویزیون یک سخنرانی خواهد کرد تا به سکوت خود در مورد بحران انسانی در مورد مسلمانان روهینگایی خاتمه دهد. این سخنرانی اهمیت زیادی دارد و رئیس سازمان ملل متحد آن را آخرین شانس آنگ سان سوچی برای متوقف کردن خونریزی می داند. «آنتونیو گوترس» به بی بی سی گفت: "من فکر می کنم که اگر او اکنون وضعیت را عوض نکند، از آنجا که این فاجعه به شدت وحشتناک است؛ متأسفانه پس از آن نمی توانم ببینم که او چگونه می تواند در آینده آن را تغییر دهد و جبران کند."

در شرایط فعلی عبور از این بحران بسیار حیاتی است، و مقامات بنگلادش نیز تلاش می کنند تا پناهندگان را پوشش دهند. بیش از ۴۱۰ هزار نفر از مسلمانان روهینگایی اکنون از مرز عبور کرده اند. تصویر خانم سوچی به عنوان یک مدافع حقوق بشر پس از آنکه در جلوگیری از سرکوب مسلمانان که در ۲۵ اوت آغاز شد، مداخله ای نکرد (زمانی که ارتش میانماری بودائی در ایالت راخین کشتار را آغاز کرده بودند) تیره شد. ارتش کشتار خود را تحت عنوان عملیات پاکسازی توجیه می کند که با شلیک شبه نظامیان روهینگایی به یکی از پایگاههای های پلیس آغاز شده است.

از آنجایی که این خشونت در منطقه مرزی رخ داده است، گزارش هایی که از روهینگیا ارائه شده است حاکی از آن است که ارتش غیرنظامیانی را که در حال تلاش برای فرار هستند؛ از بین می برد؛ اما خانم سوچی -برنده جایزه صلح نوبل- هیچ گونه نگرانی در این ارتباط ابراز نکرده و مسلمانان را تروریست خطاب کرده و از کوه یخی اطلاعات غلط انتقاد کرده است.

آنجلینا جولی، مدافع حقوق بشر؛ این خشونت را محکوم کرد و ارتش برمه را مورد انتقاد قرار داد. وی گفت: "کاملاً روشن است که خشونت توسط ارتش باید متوقف شود و بازگشت پناهندگان باید مجاز باشد و باید حقوق مدنی روهینگایی ها رعایت شود. همه ما آرزو می کنیم که «آنگ سان سوچی» در این وضعیت صدای حقوق بشر باشد."

حزب خانم سوچی در سال گذشته به عنوان نخستین دولت تحت رهبری غیرنظامی میانمار پس از ۵۰ سال حکومت ژنوتا، در سال ۲۰۰۳ به قدرت رسید.

«فرانسیس واند»، نویسنده ی "درگیری در درون میانمار" گفت که اولویت اصلی برای خانم سوچی رابطه بین دولت و ارتش است.

ژنرال مین یونگ هنگین، رئیس ارتش میانمار، خواستار یک موضع "متحد" در برخورد با بحران است اما هیچ متعهدی پیدا نکرده است.

دولت میانمار به این نکته اشاره کرد که روهینگایی هایی را که از مرز عبور کرده اند، به جرم داشتن ارتباط با شورشیان متهم هستند.

تحلیلگران انتظار ندارند خانم سوچی به تغییر موضع خود در سخنرانی آتی اش بپردازد، که باید بدون ابزار نظامی به بحران رسیدگی شود.

«جان سینسون»، روزنامه نگار در مقاله ای برای روزنامه دیلی تلگراف نوشت: "سکوت ناامید کننده او در مورد روهینگیا باعث می شود که او بیشتر در خانه زندگی کند. اغلب بودایی های کشور که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشور را تشکیل می دهند، همسو با او هستند. من بویژه نگران آن هستم که تقاضای غذا، سرپناه، آب و وسائل بهداشتی به دلیل جمعیت زیاد پناهندگان به اندازه کافی تأمین نشود. اگر خانواده ها نتوانند نیازهای اساسی خود را برآورده سازند، رنج و مشکلات آنها بیشتر خواهد شد.

وضعیت اسفناکی حاکم است، صدها هزار نفر از مردم در اردوگاههای موقت گیر افتاده اند و بسیاری از پناهندگان در کنار جاده ها زیر ورق های پلاستیکی بی ثبات زندگی می کنند. وجود شرایط نامساعد آب و هوایی و بارندگی شدید مشکلات را دوچندان کرده است. پناهندگان برای زیرانداز از بامبو استفاده کرده اند تا بتوانند بر روی زمین های خیس بنشینند."

«مارک پیرس»، مدیر کل ایالت بنگلادش از سازمان حمایت کودکان گفت: "بسیاری از مردم گرسنه، خسته و بدون غذا یا آب هستند."

منبع:

http://www.telegraph.co.uk/news/2017/09/17/aung-san-su-kyi-has-last-chance-stop-rohingya-massacre-pulls



برمه: ارتش می گوید که ۴۰۰ نفر از مسلمانان روهینگایی کشته شده اند

«کریس لوا»، به ABC می گوید: تا کنون گزارش معتبری صادر نشده است و تنها به کشته شدن ۱۳۰ زن و کودک اشاره شده است، در حالی که آمار واقعی عمق یک فاجعه ی انسانی را نشان می دهد. این اتفاق در روز یکشنبه در روستای راخین رخ داد که بلافاصله نیروهای امنیتی در منطقه آن را خنثی کردند و به نظر می رسد که کشتار اصلی در روهینگیا بوده است. ارتش برمه اعلام کرده که برای حفاظت از جوامع روهینگیا اقدام کرده است.

منبع:

<http://www.independent.co.uk/news/world/asia/bur-m-a-r-o-h-i-n-g-y-a-muslims-genocide-soldiers-burn-bodies-massacre-evidence-crackdown-minority-a۷۹۲۷۹۸۱.html>

فرمانده نظامی برمه گفت که حدود ۴۰۰ نفر در اثر درگیری میان نیروهای امنیتی و مسلمانان روهینگیا در برمه جان خود را از دست داده اند.

آماري که در صفحه فیس بوک رسمی ارتش برمه منتشر شده است، تعداد کشته شدگان را ۱۰۰ نفر گزارش می کند که با واقعیت اختلاف فاحشی دارد. در بیانیه ای عنوان شده است که تنها ۲۹ تن از ۳۹۹ نفر کشته شده، مسلمان بوده اند که آنها را تروریست توصیف کرده اند. در این بیانیه آمده است که ۹۰ درگیری مسلحانه که آغازگر آن مسلمانان بوده اند (دولت برمه لقب شورشی به آنها داده شده است) در ۲۵ اوت رخ داده که باعث شروع جنگ و درگیری شده است.

از برمه گزارش می شود که صدها غیرنظامی روهینگایی توسط نیروهای امنیتی کشته شده اند. طبق گزارش سازمان ملل متحد، حدود ۳۸ هزار نفر به کشور همسایه بنگلادش فرار کرده اند.



اعلام تعداد معتادان زشت نیست

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در یازدهمین کنگره بین‌المللی دانش اعتیاد گفت: "دیگر نمی‌توانیم بگوییم زشت است که اعلام کنیم چند نفر معتاد در کشور داریم، زیرا هر جا که گفت‌وگو نکردیم بیشترین آسیب‌ها را متحمل شدیم و باید برای حل آسیب‌های اجتماعی از جمله: اعتیاد، گفت‌وگو در خصوص آنها را به سطح مدارس، خانواده‌ها، جامعه و حتی مهدهای کودک ببریم و بدانیم امروز دیگر وقت در کنج بردن و به حاشیه راندن آسیب‌های اجتماعی نیست. در دولت دوازدهم پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در دو گروه زنان و کودکان را به طور ویژه در دستور کار خود قرار داده‌ایم، زیرا گرایش این دو گروه به آسیب‌های اجتماعی به مراتب مخرب‌تر از سایر گروه‌های اجتماعی است."

شیوع بیشتر مصرف موادمخدر در زنان جوان

توسعه «خانه‌های امن» ویژه زنان تحت
خشونت خانگی در دستور کار دولت

فاطمه عباسی، مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور در امور زنان و خانواده گفت که تعداد مراکز سرپناه شبانه ویژه زنان معتاد نیز به ۲۲ مرکز رسیده است. این در حالیست که ۱۷ تیم امدادرسان سیار ویژه زنان معتاد نیز توسط بهزیستی در کشور فعالیت می‌کنند. مرکز بهبود و بازتوانی افراد دچار اختلال مصرف مواد، ویژه زنان نیز در کشور تحت نظارت بهزیستی فعالیت می‌کنند؛ این در حالیست که سه مرکز به صورت پایلوت جهت درمان کودکان معتاد نیز راه‌اندازی شده‌اند و به زودی مرکز مادر و کودک برای مادران معتادی که دارای کودکان خردسال هستند نیز افتتاح خواهد شد. در حال حاضر، تعداد خانه‌های امن به ۲۲ مرکز رسیده این در حالیست که ۲۶ مرکز بازپروری ویژه زنان آسیب دیده اجتماعی نیز در کشور فعالیت می‌کنند و ۳۱ مرکز خانه سلامت نیز ویژه دختران در معرض آسیب تحت نظارت بهزیستی در حال فعالیت هستند. شیوع مصرف مواد مخدر توسط زنان در گروه سنی جوان به شیوع مصرف مردان نزدیک‌تر شده که این نشان دهنده شیوع بیشتر مصرف در زنان جوان است.



ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان مقطع متوسطه

آموزان آموزش داده شود. معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری با اشاره به افزایش هم افزایی میان سازمان‌ها و نهادها برای رفع مشکلات جامعه اظهار کرد: کشوری که اقتصاد مقاومتی را سرلوحه کار خود قرار داده باید خانواده‌ای سالم داشته باشد.

وی با اشاره به اینکه بنیان‌های خانواده از مدرسه شکل می‌گیرد، افزود: زمانی که خانواده سالم باشد، آسیب‌های جامعه کمتر خواهد شد و جامعه‌ای با تعالی فرهنگی اجتماعی، خانواده‌هایی سالم خواهد داشت، بنابراین باید به آموزش مهارت‌های زندگی توجه شود.

ابتکار با اشاره به اهمیت آموزش و پرورش در فرهنگ سازی مهارت‌های زندگی یادآور شد که ارتقای توانمندی نیروی انسانی و ارتقای دانش و مهارت دانش آموزان باید با همکاری نهادهای مختلف مورد توجه قرار گیرد در همین راستا معاونت امور زنان و خانواده رئیس جمهوری برای همکاری و توسعه فعالیت‌ها با آموزش و پرورش آمادگی کامل دارد، زیرا به دانش آموزان باید مهارت‌های زندگی آموزش داده شود.

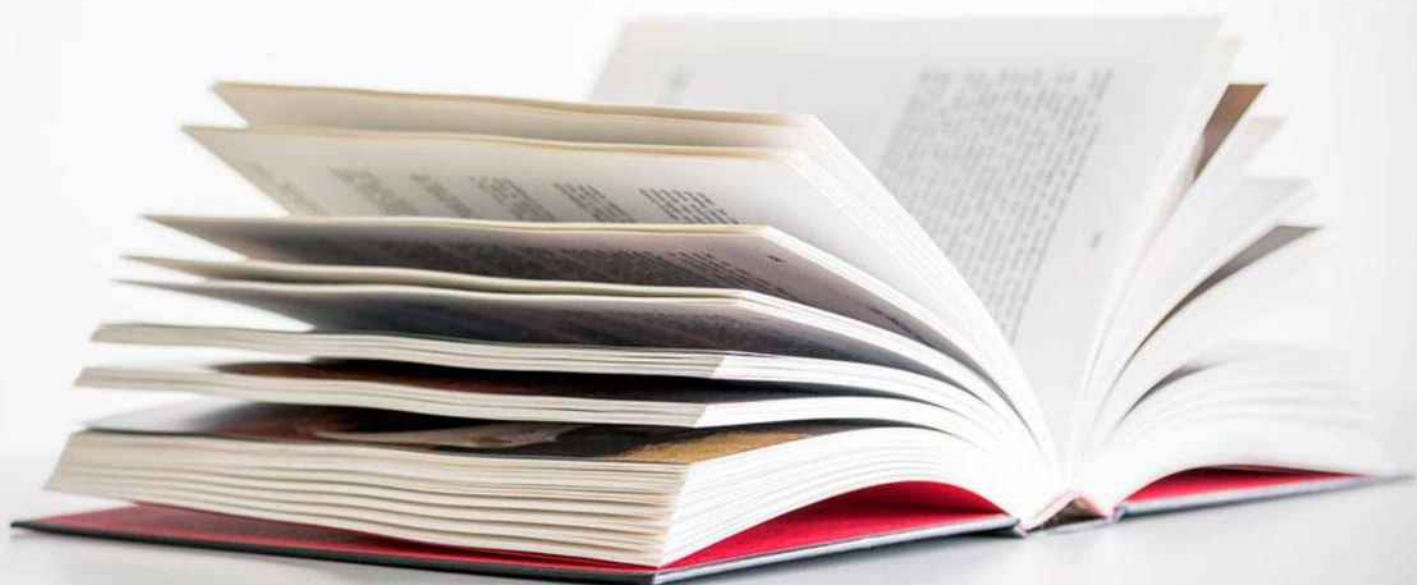
معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده با تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش در فرهنگ سازی مهارت‌های زندگی در جامعه گفت: توجه به حضور مشاور در مقطع دوم متوسطه بسیار مهم است و باید به دانش آموزان مهارت‌های زندگی در قالب دروس دوران متوسطه آموزش داده شود.

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده در بازدید از مرکز مشاوره و خدمات روان شناختی دانش آموزی توحید اظهار کرد: توجه به حضور مشاور در مقطع دوم متوسطه بسیار مهم است و متأسفانه دانش آموزان در دوران مدرسه مهارت‌های زندگی را نمی‌آموزند، بر همین اساس باید تغییری در ساختار محتوایی آموزش و پرورش ایجاد و هفته‌ای ۲ ساعت به دانش آموزان مهارت‌های زندگی آموزش داده شود. وی افزود: در دوره‌های گذشته با توجه به مذاکراتی با مسئولان آموزش و پرورش صورت گرفت، مقرر شد که روزهای پنجشنبه در مدارس به موضوع آموزش مهارت‌های زندگی پرداخته و در این حوزه کارهای تخصصی انجام شود.

ابتکار افزود: مهارت‌هایی زندگی از جمله مهارت‌های گفت و گو، حفظ محیط زیست، مهارت‌هایی برای تشخیص خطرات، مهارت «نه گفتن» باید به دانش

بازماندن ۵۰ درصد دختران از تحصیل

آرزو ضیائی، معاون وزیر آموزش و پرورش می گوید که ازدواج زودهنگام منجر به بازماندگی از تحصیل ۵۰ درصد دختران استان‌های مرزی می شود. در هفته های اخیر مباحث دنباله داری در مورد ازدواج در سنین پایین درگرفته است و برخی نمایندگان مجلس از طرحی سخن می گویند که در صورت تصویب به افزایش سن ازدواج در ایران می انجامد. حدود ۱۷ درصد از ازدواج ها در سن پایین تر از ۱۸ سال رخ می دهد. این نوع ازدواج ها علاوه بر مشکلات روانی و اجتماعی می تواند منجر به بروز برخی دیگر از مشکلات از جمله بازماندن دختران از تحصیل شود. فراوانی ازدواج در زیر سن ۱۸ سال در مناطق محروم بالاتر است و این اتفاق می تواند به بازتولید محرومیت دختران در این مناطق بیانجامد.



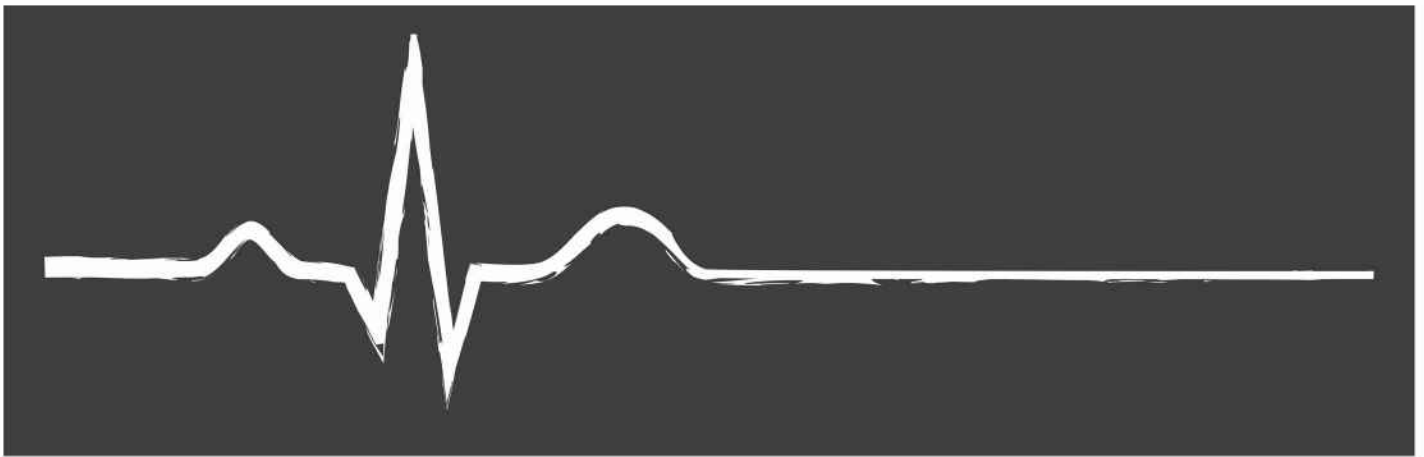


نسل کشی مسلمانان در میانمار

نامه ی دستیار ویژه رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی به «آنگ سان سوچی» برای اقدام عملی فوری در پایان دادن به نسل کشی در میانمار

خود را بر بی ثباتی منطقه و تمام جهان در آینده نزدیک خواهد گذاشت و با توجه به آنکه درکمال ناباوری جنایات ارتکاب یافته علیه زنان و کودکان و مردان مسلمان روهینگایی با سکوت بسیاری از دولتهای جهان و نیز سرکارعالی به عنوان نماد مبارزه برای دموکراسی خواهی و دفاع از حقوق بشر و نماد صلح به عنوان یک نوبلیست مواجه شده است، حتی بعد از مدتها که سکوت را شکستید انتقادات جهانی از نحوه برخورد با مسلمانان روهینگیا را ناشی از تصویر نادرست از واقعیت خوانده اید! لازم دانستم با نگارش این نامه انتظارات و درخواستهای خود را برای شما ارسال نمایم.

«شهیندخت مولوردی»، دستیار ویژه رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی در نامه ای به تاریخ ۱۹ ام شهریور ماه ۱۳۹۶ به «آنگ سان سوچی» رهبر حزب حاکم میانمار و برنده جایزه صلح نوبل خواستار پایان دادن به نسل کشی در آن کشور شد. در متن نامه آمده است که نظر به انتشار اخبار نگران کننده از وضعیت هولناک اقلیت مسلمان روهینگیا در میانمار که قربانی حملات سازمان یافته آمران و عاملان جنایت علیه بشریت هستند و این روزها احساسات مردم دنیا فارغ از مذهب و ملیت را برانگیخته است و نظر به آنکه این تندروی ها، افراطی گری ها و خشونت هایی که به حد اعلا می رسیده، قاعدتا به مرزهای آن کشور محدود نشده و آثار و تبعات



مصدق بارز نقض فاحش حقوق بشر است را متوقف و راه را برای ارسال کمک های بشر دوستانه بین المللی به آسیب دیدگان هموار و با باز کردن راه افشای حقایق و تشکیل گروه حقیقت یاب بین المللی زمینه را برای شناسایی، معرفی و مجازات مرتکبین، مباشرین، و شرکای این جنایات که دقیقا در چارچوب تعریف جرم نسل کشی / ژنوسید در اسناد بین المللی می گنجد، فراهم نمائید تا ضمن بی کیفر نمودن مرتکبان آن، از وقوع جنایت های مشابه در سایر نقاط دنیا در آینده پیشگیری لازم به عمل آید.

امید است با پیگیری و تلاش مجدانه سرکارعالی شاهد تحقق راه حل پایداری برای مشکلات و درگیری های خونین سالهای اخیر در جنوب شرقی آن کشور بوده، تا دولت آن کشور در به رسمیت شناختن حقوق این اقلیت همانند سایر شهروندان خود و حفاظت از آنها در برابر انواع خشونت و تبعیض متعهد گردد. مطمئن باشید در این مسیر که در انجام مأموریت مهم خود به عنوان برنده جایزه صلح نوبل، عمل به وظیفه اخلاقی و انسانی را مقدم بر هر ملاحظه و تعهد دیگری می دانید، قلبها، دستها و قدمهای تمامی کوشندگان راه صلح و دموکراسی و حفظ و ارتقای حقوق بشر در جهان با شما خواهد بود.

سرکار خانم سوچی تصاویر دلخراشی که از سوزاندن، سربریدن، به دریا ریختن اجساد و اخراج و کوچ اجباری مسلمانان روهینگایی میانمار و ... در این دهکده جهانی به مدد تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات روزانه به سراسر جهان مخابره می شود، می رود تا یک تراژدی انسانی را رقم بزند که بی تردید ریشه در واقعیت های بسیار تلخی دارد. ای کاش به عنوان یکی از زنان کم شماری که عناوین پرشماری را در سطح جهانی از آن خود کرده اید، از جایگاه و عنوان مادرانگی و زنانگی خود حداقل این واقعیت ها را با مردم سراسر جهان در میان می گذاشتید و با سکوت خود مهر تأیید بر این رفتارهای غیرانسانی که سالهاست موجب محرومیت از حقوق شهروندی این اقلیت؛ نه فقط به عنوان مسلمانان، بلکه به عنوان شهروندان آن کشور شده است نمی زدید.

از سرکارعالی که در سابقه درخشان تان تأکید بر "ضرورت وضع قوانین لازم برای حفظ حقوق اقلیت ها" را سراغ داریم و اینکه "حمایت از حقوق آنان نیازمند اقدام هایی بیش از حفظ زبان و فرهنگ و قومیت آنهاست" و "استقرار دموکراسی واقعی همراه با روح اتحاد، برابری حقوق و احترام دو جانبه" میسر خواهد بود؛ انتظار می رود در تحقق آرمان هایتان، بویژه در این شرایط که عرصه آزمونی جدی پیش روی شماست، گام های محکمی بردارید.

اینجانب از جایگاه دستیار ویژه رئیس جمهوری اسلامی ایران در امور حقوق شهروندی از سرکارعالی درخواست می نمایم با ایفای نقش و سهم مؤثر خود و با اقدامات عملی فوری - و نه فقط موضع گیری صرف - خشونت بی سابقه جاری در آن کشور که

هولوکاستی دیگر



این عکس دردناک را تاریخ فراموش نخواهد کرد

امروز این فاجعه را در میانمار رقم زده اند و فردا در جای دیگر. اینها همه از یک تفکر شیطانی نشأت می‌گیرد و حتی در مناطق مسلمان نشین، اسلام آمریکائی را ترویج می‌دهند، به هر حال ما امیدوار هستیم که کشورهای به اصطلاح مسلمان به فکر بیایند و کمی غیرت داشته باشند. سازمان‌هایی مثل: سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب با دلارهای آمریکایی اداره می‌شوند؛ حالا توقعی از سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی نداریم. امیدواریم که روزی نهادی مردمی برای مسلمانان در اتحادیه عرب در سازمان ملل و در شورای امنیت تشکیل شود و حتما جزو اعتقادات ماست که منجی اصلی این جهان امام زمان (عج) تشریف فرما می‌شوند و یک نظم نوین جهانی را پیاده می‌کنند. نظم آمریکایی به گونه‌ای است که در جای جای جهان حمام خون راه بیندازند و تاریخ نشان داده که دوامی نخواهند داشت.

دکتر حسن کامران، استاد دانشگاه و نماینده محترم مردم شریف اصفهان طی گفتگویی با آبتاب در خصوص قتل و عام بیرحمانه مسلمانان مظلوم و بی‌پناه میانمار گفت که جریان خبیث صهیونیستی در جای جای جهان اسلام با پوشش ادیان ساختگی حمام خون برای مسلمانان راه انداخته است، یکبار در سوریه، یکبار در عراق، یک بار در یمن و اینبار در میانمار!

این گردش سیاسی باطل به سبب استقامت مردم مسلمان و مظلومیت آنها، امروز روسیاهی نظام استکباری را بیشتر افشاء کرده و روسیاه تر شده‌اند. به هر حال منهای اینکه چه دینی دارند، انسان هستند ولی به راحتی زن، کودک و افرادی بی‌دفاع و بدون جنگ افزار زندگیشان را اداره می‌کنند، بیرحمانه می‌سوزانند؛ هیتلر این کار را نکرد.

امروز هیتلر زمان تصورش این است که بتواند بر جهان سلطه پیدا کند. در حال حاضر، مسلمانان اعم از سنی و شیعه علیه این تفکر استکباری خون می‌دهند و پایداری کرده‌اند و هم‌اینکه این قدرت‌ها عصبانی هستند که چرا در منطقه‌ی خلیج فارس علی‌رغم جوسازی‌هایشان نتوانستند حاکم شوند و

تحرکات بین‌المللی برای نجات مسلمانان میانمار

گفتاری از یسرا بخاخ




روهنگیایی میانمار را ترک کرده اند. میانمار از سال ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۱ حکومت نظامی سرکوبگری به خود دیده بود. یکی از افرادی که در سال‌های اخیر به عنوان رهبر اپوزیسیون در این کشور شناخته شده، «آنگ سان سوچی» است. در سال ۲۰۱۰ تحولات تدریجی در این کشور ایجاد شد و ارتش موافقت کرد تا نفوذ خود در قدرت را کاهش دهد تا اینکه در سال ۲۰۱۵ اتحاد ملی برای دموکراسی که ریاست آن را سوچی برعهده دارد به قدرت رسید و «تین کیاو» هم به عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب این کشور در سال ۲۰۱۶ سوگند خورد تا اینکه میانمار برای نخستین بار گام مهمی به سوی دموکراسی برداشته باشد، اما واقعیت این است که این گام‌های بلند و مبارزات سیاسی طولانی قرار نبوده اوضاع مسلمانان این کشور را بهتر کند. مسلمانان میانمار از حق شهروندی، مالکیت، رأی دهی و سفر محروم هستند و به وسیله ارتش میانمار تحت شکنجه و سرکوب فاجعه باری قرار دارند. هزاران نفر از آنها مجبور شده اند به «تایلند» یا «بنگلادش» فرار کنند اما معمولاً به وسیله دولت‌های این دو کشور به میانمار باز گردانده می‌شوند. حالا و بعد از اینکه بار دیگر موج خشونت علیه مسلمانان میانمار افزایش پیدا کرده، سازمان ملل مسئولان این کشور را به شانه خالی کردن از مسئولیت حمایت از اقلیت مسلمان این کشور متهم کرده و تأکید کرده است که نه تنها دولت برای متوقف کردن این جنایت‌ها کاری نمی‌کند بلکه ارتش هم اجساد قربانیان را به آتش می‌کشد تا شواهدی از آنچه در آن کشور علیه مسلمانان رخ می‌دهد باقی نماند.

قصه سرکوب و قتل عام مسلمانان میانمار که به آنها «روهنگیایا» گفته می‌شود داستان جدیدی نیست، اقلیت مسلمان میانمار در طول تاریخ این کشور با قتل عام، سرکوب و کوچ اجباری روبه‌رو بوده اند. همه سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری، اقلیت ساکن در ایالت راکین در غرب میانمار را ستم دیده ترین مردم این منطقه می‌دانند. یکی از دلایل اصلی اعمال خشونت علیه مردم مسلمان میانمار را حکومت بودایی و تفاوت‌های مذهبی موجود میان این دو می‌دانند. در سال ۱۹۴۸ دولت بریتانیا گفته بود، مشروط بر اینکه همه قومیت‌های موجود در این کشور بعد از ۱۰ سال فرصت استقلال پیدا کنند، به استعمار خود بر این کشور پایان می‌دهد اما همین که دولت میانمار به استقلال رسید، وعده خود را فراموش کرده و جنایت‌های آنها علیه مسلمانان و هندی‌هایی که در غرب این کشور ساکن بودند به پایان نرسید. یکی از اهداف این اعمال خشونت‌ها کوچ اجباری و نوعی پاکسازی نژادی بود تا مسلمانان را وادار کنند این کشور و ایالت «راکین» که به نام «اراکان» نام قدیمی اش نیز معروف است را ترک کنند. دولت فاشیست میانمار تا حدودی هم موفق بوده زیرا تاکنون دست کم ۳ تا ۴ میلیون مسلمان

«یانگی لی»، نماینده ویژه سازمان ملل در میانمار تأکید کرد که ۸۷ هزار روهینگیایی در طول ۱۰ روز گذشته به بنگلادش پناه آورده اند. شبکه حقوق بشر میانمار که یک سازمان غیردولتی است تأکید کرده که خشونت برنامه ریزی شده و سازمان دهی یافته علیه مسلمانان میانمار فقط به ایالت راخین محدود نمی شود بلکه موج این خشونت‌ها که با حمایت دولت صورت می گیرد در سراسر این کشور جریان دارد و عاملان آن هم ارتش، بودایی‌ها و گروه‌های نژادپرست هستند. «کریس لیوا»، مدیر مؤسسه حقوق بشری «پروژه راخین» نیز تأکید کرد که ارتش میانمار و برخی از مردم نژادپرست این کشور که در قتل عام مسلمانان دست دارند اجساد قربانیان را به آتش می کشند و تاکنون سوزانده شدن جسد ۱۳۰ مسلمان در یک منطقه مسکونی ثبت شده است. به گفته این فعال حقوق بشر نحوه قتل عام مردم روهینگیای توسط نظامیان ارتش میانمار به این صورت است که ابتدا یک روستا را محاصره کرده و مانع خروج مردم از آن می شوند و در شرایطی که برای افراد بی گناه راه فرار یا پناهی باقی نمی ماند به صورت تصادفی به سوی مردم تیراندازی می کنند. همه این خشونت‌ها و پاکسازی های نژادی که در میانمار رخ می دهد را ارتش و دولت این کشور به مقابله با تروریسم تعبیر می کند. ارتش ادعا می کند مسلمانان میانمار علیه مراکز پلیس حملات تروریستی انجام داده‌اند و به همین دلیل است که در طول چند هفته گذشته موج خشونت علیه غیرنظامیان را افزایش داده‌اند. بر اساس آمار نه‌چندان دقیقی که از قربانیان نسل کشی میانمار به دست آمده، تاکنون دست کم ۴۰۰ غیرنظامی که تعداد زیادی از آنها را زنان و کودکان تشکیل می دهند جان خود را از دست داده‌اند در حالی که هزاران تن دیگر با کمترین امکانات غذایی و بهداشتی به سوی بنگلادش و تایلند فرار کرده اند و برخی از آنها چندین روز را بدون مواد غذایی یا سرپناه گذرانده اند. اما نکته قابل تأمل در این ماجرا سکوت «آنگ سان سوچی» رهبر حزب حاکم و برنده جایزه صلح نوبل است، حتی برخی گزارش‌ها حاکی است که او از اقدامات ضد انسانی که در میانمار صورت می گیرد حمایت هم می کند. به این ترتیب، سازمان‌ها و

فعالان حقوق بشری خواستار پس گرفتن جایزه صلح نوبل از «آنگ سان سوچی» شده اند. سازمان اسلامی، آموزشی، علمی و فرهنگی موسوم به آیسسکو در بیانیه ای خواستار پس گرفتن جایزه صلح نوبل از رئیس حزب حاکم دولت میانمار شده و تأکید کرده که او دیگر اهلیت داشتن این جایزه را ندارد و حمایت او از قتل عام اقلیت مسلمان میانمار با اهداف جایزه نوبل در تضاد است. در همین راستا فعالان حقوق بشری نیز کمپینی برای سلب جایزه نوبل از «سان سوچی» به راه انداخته اند و تأکید کردند که به دنبال جذب ۳۰ هزار امضاء هستند و از روز جمعه گذشته تاکنون ۲۷ هزار امضاء جمع‌آوری کرده اند. در سطح بین المللی هم رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه در تماس تلفنی با «آنگ سان سوچی»، رهبر حزب حاکم میانمار نسبت به خشونت اعمال شده علیه مسلمانان این کشور ابراز نگرانی کرده و مسأله رساندن کمک های بشر دوستانه به قربانیان نسل کشی در میانمار را به بحث گذاشته است. در همین راستا ترکیه تصمیم گرفته تحرکات خود در این زمینه را بیشتر کند و «مولود چاووش اوغلو»، وزیر خارجه این کشور روز چهارشنبه برای دیدار با مسئولان بنگلادش به این کشور سفر می کند زیرا در پی فاجعه انسانی در میانمار دست کم ۱۲۳ هزار نفر از میانمار به سوی بنگلادش فرار کرده اند و آنکارا از مسئولان این کشور خواسته بود مرزهای خود را به روی مردم باز کرده و کمک های بشر دوستانه در اختیار آنها قرار دهند. در اندونزی نیز گروهی از مسلمانان برای همبستگی با مردم مسلمان میانمار به خیابان‌ها آمدند، معترضان با دست داشتن تراکت‌هایی در حمایت از قربانیان میانمار به «بوربودور» معبد معروف بودائیان در شهر ماگلانگ در جاوه مرکزی حرکت کردند که پلیس مانع ادامه تظاهرات آنها شد. این گروه تصمیم داشتند در برابر این معبد معروف تجمع کنند که یکی از اصلی ترین پدیده‌های توریستی این شهر به شمار می رود و به این ترتیب می خواستند توجه بین المللی را به اعتراضات خود و وضعیت مردم میانمار جلب کنند. در همین راستا مردم در شهر گروزنی در چچن نیز برای اعلام همبستگی با مردم میانمار به خیابان‌ها آمدند. بر اساس گزارش‌های رسانه ای



خیابان‌های منتهی به مسجد «قلب چچن» که یکی از بزرگ‌ترین مساجد پایتخت این کشور است مملو از جمعیت معترضی شده بود که پلاکاردهایی با شعار «نه به نسل کشی میانمار» بالای سر برده بودند. در ادامه واکنش‌های بین‌المللی هم مالزی با احضار سفیر میانمار در کشور خود به خشونت اعمال شده علیه مسلمانان در این کشور اعتراض کرد. «جوکو ویدودو»، رئیس دولت اندونزی نیز «ریتنو مرسودی» وزیر خارجه کشور خود را به میانمار اعزام کرده است تا از دولت این کشور بخواهد برای همه شهروندان میانماری از جمله مسلمانان شرایط امنیتی یکسانی فراهم کند. رئیس‌جمهور اندونزی تأکید کرده که کشورش معتقد است باید اقدامات ملموسی در این زمینه انجام شود و دولت او متعهد است تا برای حل بحران انسانی میانمار همکاری کند. برخی کشورهای عربی از جمله کویت نیز نسبت به این بحران واکنش نشان داده و تأکید کرده‌اند که از دیدن تحولات میانمار احساس ناراحتی می‌کنند.



بررسی بازار موادمخدر در ایران

مروری بر گزارش وزارت خارجه آمریکا

مرتضی رجائی خراسانی
پژوهشگر علوم سیاسی و اقتصادی

ایران یک بازار و محلی برای ترانزیت مواد مخدر و حشیش تولید شده در افغانستان می باشد و همچنین به عنوان منبع «متمامتامین» برای مصرف داخلی و بین المللی است. بر اساس آخرین گزارش هیأت کنترل بین المللی موادمخدر، حدود ۳۵٪ از هروئین قاچاق شده از افغانستان از ایران می گذرد که برای مصرف داخلی و صادرات به بازارهای بین المللی است. بنا به آمار ارائه شده توسط خود ایران به دفتر جرم و موادمخدر سازمان ملل متحد (UNODC)، کشف و ضبط هروئین به طور قابل توجهی از بیش از ۲۳ تن از سال ۲۰۱۲ به حدود ۱۰.۲ تن در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. در پنج ماه اول سال ۲۰۱۳، رهگیری ها بیش از سال ۲۰۱۲ بوده است. به نظر می رسد که میزان کشف و ضبط تریاک خام ثابت باقی مانده است، با این حال؛ میزان کشف و ضبط «متمامتامین» همچنان رو به افزایش است. به گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، مقامات ایران تقریباً ۲.۳۶ تن «متمامتامین» در پنج ماه اول سال ۲۰۱۳ مصادره کرده اند که این افزایش شش برابر سال ۲۰۰۹ بود.



Photo: Shutterstock/MEF/Ann Makin

اگرچه مبارزه با مواد مخدر در طول مرزهای شرقی کشور با افغانستان و پاکستان زیاد است، کاوش‌های مشترک با همکاران بین‌المللی کم است. مقامات ایرانی برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی در جهت کاهش قاچاق موادمخدر در منطقه در راستای منافع عمومی ابراز علاقه کرده‌اند. دفتر مبارزه با جرم و موادمخدر سازمان ملل طرح‌های همکاری بین ایران و همسایگان خود بویژه «پاکستان» و «افغانستان» را تسهیل کرده است. برخی از تحقیقات مشترک ایران و پاکستان در سال ۲۰۱۳ منجر به کشف و ضبط مقادیری از مواد مخدر شد. ایالات متحده هیچ موافقتنامه دو جانبه‌ای با ایران در مسائل مربوط به کنترل مواد مخدر ندارد، اما همکاری‌های منطقه‌ای از جمله بهره‌گیری از حمایت دفتر مبارزه با جرم و موادمخدر سازمان ملل UNODC را تشویق می‌کند.

شبکه‌های قاچاق متامفتامین ایران به تأمین کنندگان پیشرو به بازارهای داخل کشور و سراسر خاورمیانه و منطقه آسیا و اقیانوس آرام تبدیل شده‌اند، سوء استفاده از متامفتامین بر این اساس افزایش یافته است. طبق آمار دولت ایران، متامفتامین در سال ۲۰۱۱ بیشتر از هر داروی دیگر مطرح بوده است. به طور کلی نرخ اعتیاد در ایران در سطح جهانی رتبه بالایی دارد، هر چند برآورد تعداد مصرف کنندگان مواد مخدر در ایران مبهم است. با توجه به بررسی‌های ملی اخیر، استفاده از مواد مخدر در سال ۲۰۱۱؛ افزایش داشته است و حدود دو میلیون ایرانی نسبت به سال گذشته موادمخدر استفاده کرده‌اند. براساس گزارش رسانه‌ها، مصرف هروئینی با درجه خلوص بالا به شکل تزریقی و با عنوان «کرک» افزایش داشته است. برنامه‌های کاهش تقاضا و درمان در ایران گسترده است و عبارتند از: «درمان جایگزینی مواد مخدر»، «مراکز مشاوره داوطلبانه»، «درمان زندانیان و توانبخشی»، «مراکز بازپروری و سم زدایی». سازمان‌های غیر دولتی نیز طیف وسیعی از مراکز سم زدایی و توانبخشی را اداره می‌کنند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زن ستیز نیست

علی اکبر گرجی از ندریانی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، وکیل پایه یک دادگستری



دکتر عباسعلی کدخدایی، سخنگوی محترم شورای نگهبان چندی پیش در گفتگوی خود با خبرگزاری شفقنا، مسأله‌ای را مطرح کرد که منجر به اظهار نظر بسیاری از سیاسیون و حقوقدانان در این زمینه شد. ایشان در جواب یکی از سؤالات خبرنگار شفقنا درباره بحث رجل سیاسی گفت: "باید دقت داشته باشید که این مسأله هر چند در رسانه‌ها فقط به عنوان بحث سیاسی مطرح می‌شود، اما بحث سیاسی نیست، بلکه بحث فقهی و قدیمی است و بحثی نیست که در طول دوره انقلاب به آن رسیده باشیم. این یک نظریه فقهی است که زن نمی‌تواند به مفهوم شرعی ولایت داشته باشد و عده‌ای می‌گویند ریاست جمهوری و وزارت چون جزئی از آن ولایت است پس زن نمی‌تواند وزیر و رئیس جمهور شود."

در اینکه پاره ای از فقهای عظام از دیدگاه های مشابه دفاع کرده یا هنوز هم بر آن اصرار دارند، حق با دوست عزیز ما جناب آقای دکتر کدخدایی است. به عبارتی، روایت تبیینی سخنگوی شورای نگهبان صحیح است و در سوابق فقهی ما چنین دیدگاه هایی ملاحظه می شود. اما پرسش این است که آیا می توان همه گزاره های فقهی را بدون هیچ دخل و تصرفی در امر حکمرانی به کار بست؟ به عنوان مثال، در کتب فقهی ما قواعدی پیرامون برده داری، ارث کفار و زنان و غیره وجود دارند. آیا جمهوری اسلامی همه این دیدگاه ها را عینا به کار برده است؟ پاسخ منفی است.

جریان مصلحت گرایی فقهی و مصلحت نظام که فقیه طراز اولی چون حضرت روح الله خمینی (ره) از توسعه دهندگان گفتمان آن بوده اند، مؤید آن است که هرگاه دین وارد عرصه حکمرانی شود، الزاما باید جرح و تعدیل هایی در برخی از فروع و قواعد بدهد تا به اساس آن لطمه ای وارد نیاید. اگر امام خمینی حفظ نظام را اوجب واجبات دانست، نه به خاطر منافع شخصی خود؛ بلکه به خاطر مصالح دین و ملت بود. در ماجرای تکرارشونده حقوق سیاسی زنان هم باید از پيله فقه خصوصی و کیفی بیرون آمد و از دریچه فقه سیاسی به ماجرا نگاه کرد. سیاست و امر سیاسی چهره ای سیال و کشسان دارد و هیچ حکومتی از جمله حکومت دینی نمی تواند در بلندمدت به ماهیت آن بی توجه بماند.

از منظر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه برجسته ترین متن قانونی و الزام آور آن یعنی قانون اساسی، زنان هیچ گونه منعی برای حضور در مشاغل عالی رتبه سیاسی

ندارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان برترین سندی که به تصویب ملت حاکم رسیده است در هیچ اصلی صراحتا ممنوعیتی برای تصدی سمت های سیاسی، قضایی، اجرایی، قانون گذاری توسط زنان پیش بینی نمی کند.

قانون اساسی حتی درباره ی رهبری، ریاست قوه قضائیه، ریاست قوه مقننه و ریاست قوه مجریه نیز از تصریح به ممنوعیت پرهیز می کند. این عدم تصریح به ممنوعیت تصدی مشاغل عالی رتبه توسط زنان قطعا دارای حکمت خاصی بوده است و آن حکمت چیزی جز بازگذاشتن دست آیندگان و نظام جمهوری اسلامی برای حضور مؤثرتر زنان در عرصه حکمرانی نیست. اساسا از منظر اندیشه حکمرانی شایسته نظامی که نتواند یا نخواهد که از پتانسیل پنجاه درصد جمعیت خود بهره بگیرد، با چالش های کارآمدی و مشروعیت روبه رو خواهد شد.

نکته بعدی آن است که اولاً در عرصه مباحث و گفتمان های فقهی یک دیدگاه وجود ندارد، یعنی در عرصه فقهی نیز ما می توانیم با تکثر دیدگاه ها در زمینه مشارکت زنان رو به رو شویم، ثانياً امام خمینی (ره) به عنوان یکی از سرآمدان فقه سیاسی در تاریخ فقه شیعه با امضای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عملا و نظرا راه حضور زنان در بالاترین عرصه های حکمرانی را تأیید کردند. هنگامی که زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، می توانند در عرصه قانون گذاری که به تعبیر فقها جزء حوزه صلاحیتی شارع مقدس است شرکت کنند، دیگر چه جای انکار است که آن ها می توانند در حوزه امور اجرایی (که کم اهمیت تر است) نیز سهمیم باشند.

گفتنی است که حتی از منظر شرعی به نظر میرسد که تشریح و قانونگذاری نیز از اجلی مصادیق ولایت دینی است. ثالثاً برخلاف نگرش فقهای عظام شورای نگهبان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۶ و ۵۶ خود هنگامی که از شکل‌گیری مدیریت عمومی کشور بر مبنای آرای مردم سخن می‌گوید، هیچ‌گاه آرای مردم را به زنانه یا مردانه تقسیم نمی‌کند، یعنی هیچ تفاوتی بین زن و مرد در عرصه امور عمومی قائل نمی‌شود. در اصل ۵۶ صراحتاً حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران از آن مردان و زنان ایرانی عنوان شده است که البته حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی اعمال می‌شود. نکته‌ای که این دسته از فقهای عزیز باید توجه کنند آن است که، نظام سیاسی حاکم بر ایران یک حکومت دینی مردم‌سالار از نوع خاص جمهوری است. بنابراین، عزیزانی که از منظر فقهی و دینی به حکومت صرفاً ولایی یا حکومت دینی غیردموکراتیک اعتقاد دارند، نباید تلاش کنند تا دیدگاه‌های خود را به قانون اساسی تحمیل نمایند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حتی ولایت مطلقه فقیه را نیز متکی بر رأی و اراده عمومی مردم می‌داند، یعنی در حقیقت دیدگاهی که قانون اساسی درباره حکومت دینی تصویر کرده است و به رأی عموم ملت گذاشته است، با نظر برخی از فقهای سنتی همسو نیست.

نظام جمهوری اسلامی یک نوع آوری خاص در عرصه فقه سیاسی به شمار می‌رود و الزاماً اینگونه نیست که رویکرد قانون اساسی با دیدگاه‌های «محقق کرکی»، «علامه نراقی» و «آیت‌الله مصباح یزدی» و غیره ... سازگار باشد.

برای اینجانب هنوز انگیزه واقعی طرح این دسته از مسائل اختلاف برانگیز روشن نیست. هنوز نمی‌دانم برخی از عزیزان که هرازگاهی به تقویت گفتمان ملت ستیز می‌پردازند، دنبال چه مقاصد و انگیزه‌های هستند، چرا که به عنوان یک ناظر برون قدرتی، هرگز منفعتی را در طرح این مباحث برای نظام جمهوری اسلامی ایران، ملاحظه نمی‌کنم؛ حتی اگر از منظر فراحقوقی و به ویژه از منظر هزینه فایده هم به بررسی و تحلیل این دسته از دیدگاه‌ها بپردازیم، آشکار خواهد شد که هزینه طرح چنین دیدگاه‌هایی در نظام جمهوری اسلامی ایران به مراتب بیشتر از فواید نداشته‌ی آن است. در پایان طرح تذکر دوستانه‌ای را لازم می‌دانم و آن این است که نظام جمهوری اسلامی، امروز با چالش‌های گوناگونی از جمله در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی روبه‌روست و طرح چنین دیدگاه‌هایی که نتیجه آن ناامیدتر کردن جامعه و به ویژه زنان است، با هیچ عقل، تدبیر و مصلحت سیاسی سازگار نمی‌نماید.

حقوق زنان در قوانین موضوعه ایران واکاوی شد

ضعف در حقوق زنان

مهسا اکبری | کارشناس ارشد حقوق جزا

شکاف جنسیتی در اکثر جوامع سنتی یکی از پایدارترین و برجسته ترین شکاف‌های اجتماعی در طول تاریخ بوده است. فرهنگ‌های جوامع سنتی با احکام قطعی و تغییرناپذیر، زن و مرد را از یکدیگر جدا کرده و میان آنان تمایز و تبعیض قائل شده است. هرچند فعالان حقوق زن و جنبش‌های اجتماعی مدافع حقوق زنان، در طول بیش از ۱۵۰ سال اخیر برای رفع این شکاف تبعیض آمیز تلاش کرده اند، اما هنوز در بسیاری جوامع به ویژه جوامع سنتی، زنان قربانی بدترین شیوه‌های تبعیض، خشونت و محرومیت از حقوق اساسی می شوند. این محرومیت‌ها و تبعیض‌ها، به اشکال مختلف وجود دارد و حتی عرصه زندگی خصوصی زنان را نیز در امان نگذاشته است؛ اما مهم‌ترین نمود این محرومیت‌ها در حوزه عمومی و در عرصه فعالیت‌های اجتماعی دیده می شود. بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی برای آنان در حوزه ممنوعه قرار دارد و حضور و اشتراک در فعالیت‌های اجتماعی برای ایشان کاری خلاف اخلاق و هنجار و حتی جرم به حساب آمده و حوزه سیاست و اداره امور اجتماعی، همیشه یک امر مردانه پنداشته شده است و زنان در این عرصه غایب بوده اند.



امکانات نابرابر، نادیده گرفتن زنان در طول تاریخ در تمامی جوامع به شکل های مختلف وجود داشته است و همواره مذاهب و ادیان الهی در زدودن این گونه تفکرات، تحریکات داشته اند. اما به دلیل وجود قدرت های سیاسی و اقتصادی در دست مردان، جایگاه انسانی زن در مسیر تکامل تاریخ بشر، نهادینه نشده و نیاز به توجهی ویژه دارد. نابرابری در دسترسی به منابع و امکانات از مباحثی است که همواره مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته است زیرا با توجه به آمار، زنان که تقریباً یک سوم از نیروی کار رسمی کشورها را تشکیل می دهند، نه تنها به سوی مشاغل کم درآمد جامعه رانده می شوند و در برابر بیکاری آسیب پذیرتر از مردان هستند بلکه به صورت معمول به ازای انجام کار مشابه با مردان فقط سه چهارم دستمزد مردان را دریافت می کنند و از منابع کمیاب اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و اعتبار دور نگه داشته شده اند و قادر به بهره مندی کافی از امکانات جامعه خود نیستند. ساده لوحانه است اگر حقوق زنان را منحصر به مهریه، نفقه، حضانت، جهیزیه و موارد مشابه دانست؛ بنابراین باید حقوق و جایگاه زنان در قوانین ایران را با وجود طول و عرض و عنوان های مختلف برای بهبود زندگی و ایجاد شرایط مساعد برای بانوان بررسی کرد.

مشارکت سیاسی زنان، در جامعه ای که زن داعیه دار حفظ بنیان خانواده است، قانونگذار باید به این نکته توجه داشته باشد که چگونه می توان بخشی از حقوق زنان را به آن ها بازگرداند و در شرایطی که در این راه موانع جدی و شرعی وجود ندارد و در نص قرآن نیز مخالفتی با این مقوله نشده است، احقاق حقوق زنان باید با سرعت بیشتری پیش برود. با اینکه دولت ایران، اقدامات مؤثری در زمینه ارتقای حقوق بشر و منع تبعیض علیه زنان صورت داده است ولی هنوز وضعیت حقوق بشر زنان در ایران تا حد مطلوب فاصله زیادی دارد. از این رو مطلوب است در مورد معضلات حقوق زنان سخن گفته شود که برخی از آن ها عبارتند از: نقض حقوق فعالان عرصه حمایت از حقوق زنان و اعمال

تبعیض علیه زنان در قانون و رویه. با این وجود تلاش هایی در جهت انتصاب زنان به مناصب سیاسی سطوح عالی از جمله معاونت ریاست جمهوری، ریاست سازمان حمایت از محیط زیست، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ریاست سازمان استاندارد ملی و سخنگوی وزارت امور خارجه به عنوان اقدامات مثبت در راستای ارتقای مشارکت سیاسی زنان در کشور ایران می توان ذکر کرد. همچنین، باید از افزایش تعداد زنان سفیر از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف در سراسر جهان نیز ابراز خرسندی کرد.

با این همه، فقدان حضور زنان در کابینه جدید دولت ایران به عنوان نکته ای منفی قلمداد می شود و این فقدان منجر به تضعیف مشارکت زنان در سطوح عالی تصمیم سازی دانسته شده است. با اینکه مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان و بسیج آنان در قالب مشارکت سازمان یافته و مؤثر در توسعه پایدار، ضرورتی پذیرفته شده در تمام نظام های دموکراتیک است و در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته اما سیر تاریخی تحولات حضور زنان در حوزه های اقتصادی و سیاسی، حکایت از کم رنگ بودن این مشارکت به خصوص در سطح وزارت و معاونت دارد تا آنجا که زنان در قوای سه گانه جایگاه شایسته ای نداشته و تنها زمانی که برای پیشبرد اهداف انتخاباتی به رأی آنان نیاز است، برپایه اعتماد به نظام سیاسی در پای صندوق های رأی حاضر می شوند اما بعد از انتخابات سهم قابل قبولی در مشارکت و تصمیم گیری ندارند. بر همین اساس، چارچوب جهانی اقتصاد، در گزارش «شکاف جنسیتی جهانی در سال ۲۰۱۳» خاطر نشان کرده است که بر طبق آمارهای ارائه شده در سال ۲۰۱۳، جایگاه جمهوری اسلامی ایران به جهت میزان مشارکت سیاسی زنان، از مجموع ۱۳۶ کشور، جایگاه صدوسی ام است.

بر طبق این گزارش، دولت جمهوری اسلامی ایران، پایین ترین مشارکت زنان در نیروی کار و پایین ترین میزان درآمد برای زنان را در میان کشورهای منطقه به خود اختصاص داده است.

همچنین این گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران که آوریل ۲۰۱۴ ارائه شد، برخی از قوانین و مقرراتی را که منجر به اعمال تبعیض جنسیتی علیه زنان در کشور ایران می‌شود، این‌گونه برشمرده است: «مفاد قانون مدنی در خصوص جواز ازدواج دختران سیزده سال و قانون حمایت از خانواده که ازدواج موقت و ازدواج مجدد را جایز دانسته است...». باتوجه به لایحه فرزندخواندگی که در آن ازدواج پدرخوانده و فرزندخوانده جایز دانسته شده، دبیرکل حقوق بشر، آن را نقض حقوق کودکان و نقض تعهدات دولت ایران بر طبق کنوانسیون حقوق کودک دانسته است.

تبعیض جنسیتی در برخی از قوانین موضوعه، اما با تمام موارد مذکور، وضعیت زنان در حوزه آموزش و سلامت پیشرفت‌های شگرفی داشته است. همچنین نرخ باسوادی در میان دختران و زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله، در مقایسه با مردان، از ۹۶٫۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۹۹٫۲ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است. دیگر آنکه میزان آموزش دختران و پسران در مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، از ۷۹٫۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۹۸ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است. به این دلیل می‌توان بیان کرد که زنان برطبق قوانین مدنی و حمایت از خانواده در ایران، حق طلاق از همسر، حق خروج از کشور، حق کار کردن و حق حضانت فرزندان پس از هفت سالگی را بدون رضایت شوهر ندارند. در قوانین ایران، حق ارثیه دختران نسبت به پسران، از املاک و اموال پدر و مادر خود نصف است.

زن در صورت مرگ همسر خود، از اموال وی ارثی نمی‌برد. در قوانین موضوعه ایران، در صورتی که پدر یا پدربزرگ فرزند و نوه خود را به قتل برساند، مجازات نخواهد شد؛ چراکه آن‌ها صاحب اختیار وی محسوب می‌شوند.

در صورت قتل یک زن، دیه ای که به وی تعلق می‌گیرد، نیمی از دیه یک مرد است و از سوی دیگر زن حتی برای دیدن پدر و مادر خود بدون اجازه شوهر، حق خروج از منزل را ندارد. نادیده انگاشتن زنان در حوزه حقوق شهروندی، همین‌گونه است که در باب حقوق

شهروندی، زنان در ایران حق قاضی شدن و رئیس جمهور شدن را ندارند و حتی تفاوت اعتبار شهادت ایشان با مردان محل تردید است زیرا بر اساس قواعد فقهی نیز به باور برخی فقها، شهادت زن و مرد می‌تواند برابر باشد و از آنجایی که فقه پویای شیعه دارای قابلیت تعدیل است، می‌توان در این باب تجدید نظر کرد. جدا از بحث‌های فقهی، باید گفت که شأن زنان در عرصه سیاسی نباید دون شأن مردان باشد تا نابرابری‌های مختلف در عرصه کسب شغل برای زنان و مردان پدید نیاید.

توسعه اجتماعی با مشارکت زنان، به هر حال مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان در راستای توسعه نظام اجتماعی امری است که قانون اساسی نیز آن را به رسمیت شناخته و قوای حاکم را به بسترسازی برای نیل به آن موظف کرده است. اما با این وجود در عمل، محدودیت‌های ساختاری بسیاری وجود دارد و همچنان می‌بینیم که زنان با بی‌مهری‌های بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند. در پایان ذکر این نکته ضروری است که رسانه‌ها به مثابه مکانیسم‌های توسعه برابری یا نابرابری جنسیتی، جایگاه بالایی دارند و در حقیقت نهادینه کردن این عقیده که اگر فرصت‌های برابر برای زنان و مردان ایجاد کنیم، متوجه خواهیم شد که زنان نیز توانایی‌های نامرئی خود را به منصفه ظهور خواهند گذاشت و بدون شک باید گفت که این امر پیش نمی‌رود مگر با خودباوری توانایی‌های زنان از طرف خودشان و پافشاری بر طلب این حق و باید فضایی مناسب و آزاد برای زنان در جامعه ایران ایجاد شود، منوط بر اینکه به تمام متغیرهای آسایش و امنیت روحی و روانی او نیز توجه ویژه‌ای شود تا به تدریج از قدرت و توان نهفته این نیروی نامرئی جامعه استفاده شود و پا در راه توسعه و آبادانی ایران بگذاریم. به امید آن روز و به امید دستیابی همه زنان ایرانی به فرصت‌های برابر قانونی و سیاسی که در آن صورت، رشد و بالندگی در همه سطوح ملی ایجاد خواهد شد.

چرا زنان وزیر نمی شوند؟

مینا جعفری
وکیل دادگستری و فعال
حوزه ی زنان

فعالیت سیاسی در ایران هنوز مردانه قلمداد می شود و زنان تنها در بحبوحه ی انتخابات به عنوان شهروندان دارای عقلانیت و خرد ورزی بشمار می روند و بعد از آن باید به خانه هایشان بازگشته و سیاست را با خیالی آسوده به مردان بسپارند تا انتخاباتی دیگر!

این تفسیر از مشارکت سیاسی زنان آنچنان توهین آمیز است که حتی آنها که این گونه می اندیشند در مجامع عمومی یارای گفتنش را ندارند، از آن رو که در جهانی زندگی می کنیم که هیچ جناح و گروهی حاضر به تخریب جایگاه سیاسی اش نیست. گروه های گوناگون سیاسی روز به روز مدعی حمایت از حقوق زنان هستند، اما در عمل باور چندانی به آن ندارند و تلاشی برای بسترسازی آن نمی کنند و هرازگاهی برای حمایت و کمک به رشد و تعالی مدیریتی زنان به آنها گوشزد می کنند که تا وقتی رده های پایین تر مدیریتی را طی نکرده اند و به ساز و کارها و روابط و شیوه های آن آشنایی ندارند، بهتر است سهمی در مشارکت سیاسی در رده های بالا نداشته باشند!

حقیقت آنست که این یک دور باطل است و تا زمانی که در ورود زنان به حوزه های تصمیم سازی مانعی بنام «سقف شیشه ای» وجود دارد و تنها شعار برابری در مشارکت سیاسی داده شود، اما در عمل مانع تراشی برای تحقق این امر وجود داشته باشد و اجازه ی حضور و تجربه اندوزی در سطح کلان مدیریت به زنان داده نشود، شعارهای برابری طلبانه در حد شعار باقی خواهند ماند. این روزها که نام خانم «دکتر امین زاده» به عنوان یکی از گزینه های وزارت علوم مطرح شده است، گروهی بر این طبل می کوبند که ایشان و بسیاری از بانوان فعال در حوزه ی سیاسی، سابقه ی درخشان و طولانی مدیریتی ندارند و بنا بر این گزینه ی مناسبی بشمار نمی روند!

پرسش مهمی که این مدعیان باید پاسخ دهند این که تاکنون چه شرایطی برای زنان

فراهم کرده اید که امکان حضور و تجربه اندوزی برای آنها فراهم شود که اکنون آنها را متهم به بی تجربگی در حوزه ی مدیریت می کنید؟ وانگهی آیا تمام مدیران حکومتی حتی هم اکنون دارای سوابق درخشان اجرایی و مدیریتی اند که به آسانی در مناصب بالای مدیریتی منصوب شده اند؟

بنظر می رسد گروه های سیاسی باید آنچنان که در سایر کشورها از ایزاری بنام «تبعیض مثبت» جهت ارتقای وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان استفاده می شود و فقط به شرح شعارهای برابری خواهانه اکتفا نمی کنند، ابتدا تکلیف خودشان را با مفهوم دموکراسی و برابری را مشخص کنند و پس از آن از ابزارهای صحیح برای افزایش حضور زنان بهره ببرند و امکان مشارکت آنها را در عمل فراهم کنند. تا زمانی که فعالان و گروه های سیاسی این گونه بیانیدهند که بهتر است زنان بروند و تجربه ی مدیریتی را بیاموزند آنها هم بدون فراهم کردن امکان تجربه اندوزی مدیریتی در سطوح کلان و همچنین منصوب نکردن زنان توانمند و با سابقه ی طولانی در جایگاه بالای مدیریتی بدلائل نامشخص، شاهد حضور زنان در جایگاه وزارت نخواهیم بود. شاید بهتر است بگوئیم اراده ای برای انتصاب زنان به عنوان وزیر وجود ندارد؛ حال آنکه زنان ایرانی توانایی حضور در سطح کلان مدیریتی را دارا هستند.

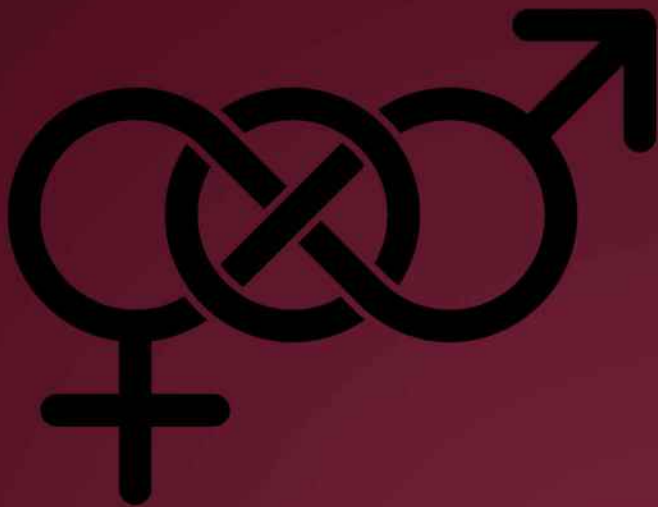
بعد جنسی در فرد

دکتر مهری نجات

متخصص اعصاب و روان، پژوهشگر حوزه آسیب های اجتماعی و مدرس دانشگاه تهران

یکی از ابعاد وجودی انسان که در تکامل و سلامت جسمی و روانی وی بسیار تأثیرگذار است، بعد جنسی اوست. اگر این بعد وجودی به درستی پرورش یابد، باعث ایجاد صمیمیت و آرامش و تعالی برای وی خواهد شد؛ ولی اگر این بعد پرورش نیابد و پرورش نیابد و سرکش شود، انسان را به پائین ترین سطح انسانیت می کشاند. همانطور که ما باید تربیت و آموزش در زمینه پرورش ابعاد وجودی خود را بیاموزیم، باید به تربیت و آموزش ابعاد جنسی خود نیز توجه کنیم. در مسیر تکامل پاسخ جنسی بعد از شکل گرفتن جنسیت فرد به عنوان زن یا مرد و هویت جنسی به عنوان پذیرفتن جنسیت خود، گرایش به سمت غیر جنس می باشد.

انسان کامل باید شناخت کافی به این مراحل پیدا کنند و نواقص موجود را شناسایی و بهبود بخشند و ضعف های خود را اصلاح کنند. متأسفانه به دلیل تابوها و شرم و حیاها افراد آموزش صحیح ندیده و در هنگام بروز مشکل سعی می کنند خود آن مشکل را حل کنند و یا از افراد غیر متخصص کمک بگیرند که این امر موجب افسار گسیختگی جنسی در آنها شده و آنان را به انحطاط می کشاند و یا برعکس شروع به سرکوب این بعد خود می کنند و دچار انزوا و درماندگی می شوند.



مراحل رشدی جنسی باید از کودکی تحت تعلیم و آموزش قرار گیرد. باید در هر مرحله رشد کودکی، بلوغ، بزرگسالی و پیری به آن توجه شود. باید آموزش های لازم در هر مرحله داده شود و در صورت بروز مشکل آنها توسط متخصصین تشخیص داده شود و درمان گردد. همانطور که تغذیه صحیح باعث رشد می شود ولی تغذیه نادرست باعث مرگ می شود، روابط جنسی سالم نیز باعث تعالی و صمیمیت و رشد شده و در صورت به انحراف رفتن موجب نابودی، ذلت و بدبختی خواهد شد. برای حفظ عزت انسان و جلوگیری از ناامیدی و احساس تنهائی و هرزگی افراد باید گزینه جنسی تحت کنترل شان باشد تا مانند اسب سرکش رام شده آنها را به مقصد غائی برساند. باید مثل غذا خوردن سالم و متناوب لذت بخش باشد. باید مثل نوشیدن گوارا باشد. باید مثل بوئیدن یک دسته گل محمدی و شنیدن آواز پرندگان شمع انگیز باشد و این امر امکان پذیر خواهد بود اگر تحت تربیت و آموزش صحیح جنسی قرار گیریم.



رعایت هنجارها در شبکه های اجتماعی

دکتر فریدین علیخواه

این روزها در شبکه‌های اجتماعی، هر کس وارد هر گروهی می‌شود در زیر کلمه members آن گروه، عکس‌هایی از زنان و مردانی می‌بیند که براحتی میتواند به آنها پیام بدهد. رفتار برخی از هموطنان (بیشتر مردان) در قبال این عکس‌ها قابل تأمل است. آنان روزی چند بار مدام ذوق مرگ می‌شوند. مدام انگشت اشاره را روی صفحه تلفن همراه سر می‌دهند و عکس‌های دیگران را یکی یکی مرور می‌کنند. روی بعضی از عکس‌ها مکث می‌کنند؛ ضربه آرامی به عکس زده و صبر می‌کنند تا عکس در سایز بزرگ بالا بیاید. گاهی با دیدن برخی عکس‌ها هیجان زده می‌شوند و با خودشان حرف می‌زنند: "این عکسو نگا! این حتماً اهله! مگه میشه نباشه؟" و لحظه‌های خوش ذوق مرگی آنان همچنان ادامه می‌یابد.



«ویکتور فرانکل»، متخصص مغز و اعصاب و روان پزشک اتریشی براساس خاطرات خود از دوران سخت و طاقت فرسای اسارت در اردوگاه های کار اجباری نازی ها در کتابی می گوید که باید مراقب کسانی بود که پس از اسارت طولانی مدت؛ آزاد می شوند. آثار تلخ محرومیت سختی که آنان تجربه کرده اند به آسانی برطرف نخواهد شد و به همین دلیل احتمال می رود که آنان بی مهابا دست به هرکاری بزنند، مثلاً آن قدر غذا بخورند تا بمیرند؛ باید زمانی سپری شود تا آنان به زندگی عادی بازگردند.

شبکه های اجتماعی فرصت های جدیدی فراهم کرده اند که یافتن نام و ارسال پیام به خانم ها یکی از آنهاست. جامعه ما درخصوص ارتباط با جنس مخالف، آدم های محروم بسیاری داشته است، به همین دلیل برخی از هموطنان طاقت دیدن این همه زن و امکان ارسال آسان پیام برای آنها را ندارند. اساساً یاد نگرفته اند که امکان آسان ارسال پیام به افراد نمی تواند موجب فرصت طلبی

و مزاحمت شود. متأسفانه، در این خصوص فرآیند اجتماعی شدن ما نیز ضعف هایی دارد. یعنی نه در کودکی بلکه در بزرگسالی باید یاد بگیریم که ارتباط محترمانه چگونه است، حفظ شأن آدم ها یعنی چه، حقوق طبیعی هر آدم چیست، چه هنجارهایی را باید در ارتباط با دیگران رعایت کرد، اینکه نوع پوشش یا آرایش یک خانم در یک عکس به معنای

نامه "نیست. جایی می خواندم که در دهه های قبل برخی از زنان معترض اروپایی روی دامنشان مقوای کوچکی می چسباندند و روی آن خطاب به مردان می نوشتند: "نگاه نکن. دامن کوتاه من تو را به چیزی دعوت نمی کند، این فقط یک دامن است".

روزی در جاده های خارج از شهر فردی را سوار کردم و در طول جاده هم صحبت شدیم. می گفت یک بار در نوجوانی می خواسته به دختر همسایه پیام بدهد که عاشق او شده است و برای همین شلوار خودش را پایین کشیده، از او پرسیدم چرا شلوارت را پایین



رعایت کنند؛ ولی در این بین قطعاً مشکلات و آسیب‌هایی بروز خواهد یافت که باید نسبت به آن‌ها آگاه بود. این آسیب‌ها در جاهایی بیشتر است که در آن‌ها فاصله بین زندگی واقعی و آنچه در شبکه‌های اجتماعی جریان دارد، بسیار زیاد است. جایی که در دنیای واقعی از تفکیک جنسیتی صحبت می‌شود و دنیای مجازی بار تبعات آنرا به دوش می‌کشد. جایی که نهادهای آموزشی و پرورشی؛ تعامل اجتماعی صحیح بین دختر و پسر را به دانش‌آموزان یاد نمی‌دهند. در دبیرستان‌ها "روش محترمانه ارائه پیشنهاد و روش محترمانه رد پیشنهاد" به جنس مخالف؛ در دروس مهارت‌های اجتماعی گنجانده نمی‌شود. مدتی قبل یکی از همین صدها جمله حکیمانه منتشر شده در تلگرام را می‌خواندم که می‌گفت: "هر آنچه سرکوب شود به شکل دیگری باز خواهد گشت." شبکه‌های اجتماعی بار خیلی از مسائل اجتماعی خارج از خودشان را بر دوش می‌کشند. بسیاری از ضعف‌های اجتماعی جامعه ایرانی در شبکه‌های اجتماعی سر باز می‌کند و بیرون می‌زند!

کشیدی؟ گفت "خب می‌خواستم به او بگویم عاشقش شده‌ام، او ماده بود." متأسفانه کم نیستند کسانی که در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از آنکه نشان دهند آدم‌اند نشان می‌دهند که "تر" یا "ماده" اند!

مسئله دیگر جامعه ما "بی‌اخلاقی" در فضای مجازی است. آدم‌های محروم و مبهوت که در ارسال پیام‌های بی‌شرمانه مقید به هیچ حد و مرز اخلاقی و عرفی نیستند. احساس می‌کنند که هیچ کس آن‌ها را نمی‌بیند. از هر عکسی خوششان آمد بی‌درنگ برای صاحب عکس پیشنهاد بی‌شرمانه می‌فرستند. متأهل یا مجرد بودن یا موقعیت اجتماعی صاحب عکس هیچ تأثیری در تصمیم آنان ندارد. در دیزی باز است و حیائی در گربه نمانده است، البته ناگفته نماند که بعضی از همین آدم‌های محروم و مبهوت که پیشنهادهای بی‌شرمانه می‌فرستند خودشان متأهل‌اند و البته بسیار هم سخت‌گیر برای همسرشان!

شاید این دوره، دوره‌ای موقت باشد، یعنی آدم‌ها با آزمایش و خطا؛ بتدریج یاد بگیرند که چه هنجارهایی را باید در ارتباطات اجتماعی

در جامعه ای که پیوندهای قوی خانواده برقرار باشد، آسیب های اجتماعی به حداقل می رسد. ۲۵ ام شهریور، روز ملی خانواده است؛ فرصتی که به این نکته مهم فکر و برای تحقق آن تلاش کنیم.

هم می باشد. لازم به ذکر است که بیشترین میزان طلاق در زنان خانه دار (بیش از ۷۲ درصد) در مقایسه با زنان شاغل دیده می شود که شاید مؤید این نظر باشد که احساس استقلال در خانم ها سبب افزایش رضایتمندی زناشویی می شود.

عدم تفاهم، عدم بلوغ اجتماعی، تفاوت های فرهنگی، اختلافات نامعقول سنی، سوء ظن همسران نسبت به هم، دخالت های خانواده ها و ازدواج های اجباری نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار در طلاق زوجین هستند. از طرفی دیگر میزان تحصیلات، شغل و موقعیت مطلوب اقتصادی، تعداد فرزندان و غیره از عواملی هستند که در پیشگیری از طلاق مؤثر می باشند.

رسیدن ایران به مقام چهارم جهانی طلاق خبری بود که در سمینار تحکیم خانواده مطرح شد، به همین منظور تصمیم گرفتم که به برخی از شایع ترین علل طلاق در بین زوجین اشاره داشته باشم. بزرگترین و مهمترین معضل طلاق، عدم شناخت دقیق زوجین پیش از ازدواج نسبت به یکدیگر است. ارتباط های افراطی و لگام گسیخته در ازدواج های خیابانی که امروزه بیشترین نوع آشنایی و ازدواج را به خود اختصاص داده است، منجر به عدم شناخت صحیح می شود. حدود ۶۰ درصد از طلاق ها مربوط به نارضایتی جنسی بین زوجین است. همچنین، عوامل اقتصادی مانند: فقر و بیکاری و پس از آن اعتیاد از دیگر عوامل مهم جدایی همسران از

معضل طلاق در ایران

نیالا وفائیان | پژوهشگر اجتماعی

بررسی ارتباط طلاق با مرگ و میر

مترجم: ماندانا قدیانی

آمارها نشان می دهند که طلاق در میان مردان میانسال، مرگ و میر بیشتری به همراه دارد.



طوری که مردان طلاق گرفته یا جدا شده جوان (بین سنین ۴۰-۴۹) میزان مرگ و میر بالاتری دارند.

کاربرد بالینی: به نظر می رسد رابطه میان فروپاشی زندگی زناشویی و مرگ و میر بر حسب زیر گروه جمعیت تغییر می کند و به خصوص مردان میانسال طلاق گرفته در بالاترین خطر مرگ و میر قرار دارند که توجیه این امر می تواند بیانگر این واقعیت باشد که پس از طلاق یا جدایی بیشتر احتمال دارد مردان به طور کلی دچار فقدان حمایت و ارتباط های اجتماعی گردند و این نتایج به خصوص از این نظر مهم اند که قبلاً تصور میشد مردان مسن تر با فروپاشی زندگی زناشویی در بالاترین درجه خطر مرگ و میر قرار دارند. گرچه متخصصان بالینی معمولاً به سلامت و عملکرد بیماران طی فرآیند جدایی یا طلاق توجه نمیکنند، این نتایج آنان را ترغیب می سازد تا توجه ویژه ای به این زیر گروه از بیماران داشته باشند و شاید بتوان گفت که در درمان آنان بایستی تمرکز بر روی ایجاد حمایت اجتماعی باشد.

منبع:

Shor, E., Roelfs, D. j., Bugyi, P., & Schwartz, J. E. (۲۰۱۲). Meta-analysis of Marital dissolution and mortality: Reevaluating the intersection of gender and age. *Social Science and Medicine*, ۷۵, ۴۶-۵۹

مطالعات زیادی روابط میان فروپاشی زندگی زناشویی (طلاق یا جدایی) و مرگ و میر را بررسی نموده اند. یافته ها اشاره بر آن دارند که میزان مرگ و میر در میان افراد طلاق گرفته یا جدا شده بیشتر است، زیرا شیوع مرگ و میر بسته به بعضی ویژگی های اجتماعی - جمعیت شناختی فرق می کند و برخی مطالعات نشان داده اند که مردان مسن طلاق گرفته یا جدا شده بیشتر در معرض خطر مرگ و میر قرار دارند. مطالعه ی موجود، تکنیک های فراتحلیلی و متارگرسیون را بر ۱۰۴ پژوهش که در مورد ارتباط فروپاشی زندگی زناشویی و مرگ و میر انجام شده بودند به کاربرد تا میانگین نسبت خطر برای مرگ و میر را مشخص کند. این مطالعات بین سالهای ۱۹۵۵-۲۰۱۱ در ۲۴ کشور مختلف بر روی بیش از ۶۰۰ میلیون نفر اجرا شده بودند که در این تحلیل ها، عوامل بالقوه مخمل (از قبیل: حجم نمونه، منطقه جغرافیایی، سن، ویژگی های طرح تحقیق) کنترل شدند. نتایج دلالت بر این داشتند که خطر مرگ و میر در میان افراد طلاق گرفته یا جدا شده در مقایسه با اشخاص متأهل ۳۰٪ بالاتر بود که این احتمال خطر برای مردان معادل ۳۷٪ و بیشتر از احتمال آن برای زنان (۲۲٪) بود. تعامل معناداری میان سن و جنس وجود دارد، بدین شکل که وقتی سن مردان بالا می رود احتمال خطر مرگ و میر کاهش می یابد زیرا این رابطه برای مردان شدیدتر است به

«شکار» عنوان سینمایی تولید شده در سال ۲۰۱۲ و برنده جایزه ی اسکار بهترین فیلم خارجی زبان می باشد. فیلم محصول دانمارک است که در کلامی زیبا و حیرت انگیز سخنانی را به زبان می آورد که متعلق به همه کشورها و تمام فرهنگ و آداب و رسوم است.

«شکار» آخرین فیلم کارگردان دانمارکی "توماس وینتربرگ" و با بازی "مدس میکلسن" است. «توماس وینتربرگ» یکی از کارگردانان خوش سلیقه و خوب دانمارکی محسوب می شود که او را با دگما ۹۵ می شناختیم و همیشه در فیلم هایش نگاه تلخی به بشریت داشته است. یکی از اساتید سینمای همیشه درام به خوبی در این فیلم هم نشان می دهد چطور یک دروغ یا یک تهمت می تواند زندگی ای را که یک انسان برای ساختنش زحمت کشیده، نابود کند.

داستان در یک روستای کوچک دانمارکی و در اطراف کریسمس رخ می دهد. «لوکاس» در یک مهدکودک مسئول نگهداری از بچه هاست. او با همسرش مشکل دارد. تنها زندگی می کند و سرگرمی اش نشست و برخاست و خوش گذراندن با دوستانش است. یک روز «کلارا»، دختر کوچک دوست قدیمی لوکاس که در همان مهدکودک نگهداری می شود، ادعا می کند که لوکاس با او تماس جنسی برقرار کرده و ناگهان لوکاس خود را در مهلکه ی ترسناکی می بیند.



نگاهی به فیلم شکار

مهسا مستقیمی

پژوهشگر حوزه هنر و سینما



انسان‌ها به شرم می‌گویند، میلی که گاهی سعی می‌کنیم آن را با بهانه‌هایی چون اخلاق‌گرایی و یا رفتار متمدنانه توجیه کنیم. «شکار» جامعه کوچک و ظاهراً متمدنی را به تصویر می‌کشد که به یک باره درگیر شرارتی می‌شود که راه خود را از دل بی‌اعتمادی، قضاوت‌های شتاب‌زده و روابط ساده و روزمره زندگی پیدا کرده است.

این فیلمی است درباره حضور شر در زندگی انسان‌ها، شرارتی که نطفه‌اش توسط اعمال ما گذاشته و سپس توسط ذهن‌های پر از شک و تردیدمان پرورانده می‌شود. شکار به ما یادآوری می‌کند که بسیاری از انسان‌ها ذاتاً میل به قضاوت در مورد دیگران و تهمت زدن و محکوم کردن دارند و به این‌ها به چشم سرگرمی نگاه می‌کنند. خیلی از ما از گناهکار جلوه دادن دیگران لذت می‌بریم. از این‌که رفتاری غیر اخلاقی انجام دهیم و برای آن توجیه اخلاقی بتراشیم خوشمان می‌آید.

هیچ چیز به آن سادگی که فکرش را می‌کنیم نیست. این حقیقتی است که پلان آخر فیلم و شلیکی که به سمت «لوکاس» می‌شود هم آن را یادآوری می‌کند. هیچ چیز مثل اولش نخواهد شد و سایه شک تا پایان بر زندگی «لوکاس» سنگینی خواهد کرد. گویی دوران «شکار» هیچ وقت سر نخواهد آمد و انسان‌ها هر روز دنبال قربانی تازه‌ای می‌گردند، حتی اگر آن قربانی کسی از نزدیکان خودشان باشد.

نقطه‌ی عطف داستان دروغی است که «کلارا» می‌گوید، دروغی که «لوکاس» را متهم به آزارجنسی وی می‌کند. دلیل این دروغ کم‌توجهی والدین «کلارا» به اوست. کلارا، لوکاس را بهترین دوست خود می‌داند. علاقه‌ی او به «لوکاس» به اندازه‌ای است که یک بار به شکل آشکار سعی می‌کند آن را ابراز کند و با این کار بر حس تنهائی ناشی از رفتار پرتنش خانواده‌اش غلبه کند.

ابراز علاقه‌ای که «لوکاس» در مورد آن به «کلارا» تذکر می‌دهد و سعی می‌کند که آن را به مسیر درستی هدایت کند. دروغ «کلارا» واکنشی به همین تذکر است. او که از لحاظ عاطفی احساس کمبود می‌کند، تذکر «لوکاس» را پای بی‌مهری او می‌گذارد و به همین دلیل می‌خواهد از او انتقام بگیرد.

«شکار» فیلمی است با تمرکز بر موقعیتی تأثیرگذار که مخاطبان‌ش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از دو جهت مخاطب را متأثر می‌کند. اول اینکه به هر حال در این فیلم شاهد موقعیت‌های متنوع و دراماتیکی هستیم با پرداخت حساب‌شده‌شان می‌توانند ما را از لحاظ حسی درگیر و با شخصیت اصلی داستان همراه کنند و دوم که فیلمی است در پس‌پس به تصویر آوردن مردی که با یک دروغ بچه‌گانه زندگی‌اش تا مرز نابودی کامل پیش می‌رود.

«شکار» با صراحت حقایقی را نشان می‌دهد که هیچ دوست نداریم کسی آنها را به رویمان بیاورد. حقایقی که از میل پنهان



بی نیازی

محمد علیزاده ثانی

وقتی که احساس می کنی هر چه که می خواهی داری
وقتی که بی نیازی

وقتی که دنیای مادیات برایت بی ارزش است

وقتی که روزهایت غرق در هیچ است

به میان مردم برو بنشین کنار آشغال دزدهایی که برای خودشان منطقه تعریف کرده اند با مرزهای فرضی بنشین گوشه ای و گدایان پشت چراغ قرمز را ببین و بخواه تا بدانی که چه می خواهند برو و جاهایی را ببین که وسایل دست دوم را چون جان شیرین خرید و فروش می کنند و تکه ای لباس یا کمدهی دست دهم می شود الماسی در خانه ای شاید گذری بر بیمارستانی دولتی در دورترین جای ممکن از این آهن آباد شهر هم بتواند چیزهایی را به رخ چشمانت بکشد که درد را با عمق جانت حس کنی و در آخر، دیدن محلی که فنا شدن دنیا دارانی که به دنیایشان غره بودند تو نیز، ما نیز، همه، می گذریم ، نگذار بگذری و بگذاری.



تصویری به اسم، مراقب باشید او کتاب دارد!



«هریس روزن» میلیاردر نیکوکار آمریکایی به تمام همسایگان خود بورس تحصیلی و خرج تحصیلات رایگان داد. بعد از آن میزان جرم و جنایت در محله ی او به ۵ درصد کاهش و میزان فارغ التحصیلی ۱۰۰ درصد افزایش یافت.

طب سنتی یا طب جدید؟

دکتر مریم آزادپور
متخصص جراحی عمومی از دانشگاه تهران
با ۱۵ سال سابقه فعالیت در بیمارستانهای
دولتی و خصوصی کرج در زمینه
بیماریهای پستان و انورکتال

طب سنتی یا طب جدید؟ این سؤال است که برای بسیاری از بیماران در اثر تبلیغات در فضاهای مجازی پیش آمده و من به عنوان یک پزشک متخصص وظیفه خود میدانم که توضیحاتی راجع به این موضوع برای خوانندگان عزیز بدهم که بتوانند درست تصمیم گیری کنند. نوشتن این مقاله از آنجا به ذهنم رسید که بیماری را با سرطان پیشرفته پستان به درمانگاهی که کار میکنم آوردند که مدتی تحت درمان طب سنتی بوده و در مرحله ای مراجعه کرده بود که کاری از دست طب مدرن هم برای بیمار برنمی آمد!

من که یک جراح عمومی هستم و طب مدرن را آموزش دیده ام، در بسیاری از موارد در درمان هایم از داروهای گیاهی استفاده میکنم و در بسیاری موارد بسیار مؤثر و عالی هستند؛ اما داروهایی که استفاده میکنم توسط کارخانه های داروسازی بسته بندی شده و میزان مشخصی را برای هر وعده بصورت قرص و یا پودر بسته بندی کرده اند که عارضه نداشته باشد، زیرا داروهای گیاهی نیز گاهی در شرایط خاص میتوانند عوارض کشنده داشته باشند.

در واقع طب مدرن ادامه جریان طب سنتی است. هیچ منافاتی با هم ندارند، اما مسئله مهم این است که بدست چه کسی استفاده شود. متأسفانه بسیاری افراد سوذجو از نادانی و ترس مردم از درمان هایی مثل جراحی یا شیمی درمانی، سوء استفاده میکنند و دست به تبلیغات غیرواقعی در مورد طب سنتی میزنند، در حالیکه طب سنتی گذشته ی طب مدرن است و نمیتواند توانایی بیشتری از طب



مدرن داشته باشد، مثال خیلی واضحی که میتوانم در این مورد بزنم مقایسه درشکه با ماشین می باشد، درست است که درشکه یک زمانی اختراع بسیار مفیدی بوده ولی به هیچ وجه در حال حاضر قابل مقایسه با ماشین نمی باشد و تصور کنید گروهی شروع به تبلیغ درشکه کنند که مثلا دود تولید نمی کند یا تصادفات با درشکه به اندازه ماشین کشنده نیست و غیره!

ولی خب مسلما توانایی آن قابل مقایسه با ماشین نیست. درسته؟ تفاوت طب سنتی و مدرن دقیقا همین است.

اواخر کتابهای دانشمندان بزرگ ایرانی «ابن سینا» و «رازی» در دانشگاههای اروپا تدریس میشده، تحقیقات بسیاری روی مطالب آنها صورت گرفته و طب مدرن نتیجه همان تحقیقات و پیشرفتهاست؛ پس طب مدرن اصلا با طب سنتی منافاتی ندارد و طب سنتی مادر طب مدرن است. اما نکته مهم این است که اساس درمان یک بیماری تشخیص می باشد، در صورتی که تشخیص درست صورت گیرد، درمانهای مختلف میتواند مؤثر باشند، ولی اغلب کسانی که در زمینه طب سنتی تبلیغات واهی میکنند؛ هیچ تجربه ی پزشکی ندارند و بیماران را علامتی درمان میکنند که بسیار خطرناک است. به عنوان مثال یک علامت را مثال میزنم خونریزی گوارشی، این یک علامت است ولی حداقل ده بیماری میتواند عامل آن باشد و از آنجا که روش درمان هر یک از آنها از زمین تا آسمان با هم فرق میکند، وقتی قرار باشد به دست یک فرد نادان از نظر تشخیص بیماریها درمان شود، همه با یک روش درمان میشوند.

این کار در بعضی موارد ممکن است مشکل چندانی برای بیمار ایجاد نکند، اما در بسیاری موارد به علل مختلف میتواند به قیمت جان بیمار تمام شود. مثلا، در صورتیکه بیمار مبتلا به نوعی از سرطان باشد که تشخیص آن فقط از عهده طب مدرن بر می آید و متأسفانه شیوع بیماریهای سرطانی در تمام دنیا افزایش یافته، درمان با طب سنتی نه تنها هیچ فایده ای ندارد و این را به جرأت می گویم که واقعا هیچ فایده ای ندارد بلکه تنها باعث پیشرفت سرطان میشود و زمان ارزشمند را از بیمار می گیرد و آن زمان که قرار است درمان طب جدید مؤثر باشد و سرطان را ریشه کن کند از دست خواهد رفت و زمانی بیمار به پزشک مراجعه می کند که واقعا غیرقابل درمان شده و این برای من جراح بسیار دردناک است. این افراد جاهل که دست به این طرق درآمدزایی برای خودشان می زنند، هیچ مسئولیتی هم قبول نمی کنند و اغلب بیماران هم چون میدانند که مقصر خودشان بوده اند که از ابتدا به پزشک مراجعه نکرده اند از آنها شکایتی ندارند و خیلی راحت از کنار چنین ضرر جانی که به آنها وارد شده رد می شوند و متأسفانه، این روشهای خطرناک همینطور ادامه دارند و تنها راه حل آگاهی مردم است و من سعی کردم به زبان ساده توضیحاتی برای خوانندگان عزیز بدهم، تصمیم گیری با خود شما!

صحبت های تکان دهنده عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران

از زمان ساسانیان و هخامنشیان تا حدود ۳۵ سال پیش برداشت اضافه از منابع آبی کشور نداشتیم. در این ۳۵ سال فقط ۱۲۰ میلیارد مکعب آبهای شیرین فسیلی صدها هزار ساله که حدود ۷۵٪ آبهای شیرین زیر زمینی بود را مصرف کردیم که حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب آن در ۸ سال گذشته بوده است یعنی منابع را تاراج کردیم. جمعیت را افزایش دادیم غافل از اینکه این جمعیت باید در یک کشور آباد زندگی کند. بدون توجه به نیازهای جمعیت، منابع کشور را برای رفع نیازها به تاراج گذاشتیم. امروز هیچ تالاب درون سرزمینی، آب ندارد، از بختگان تا هورالعظیم، گاوخونی و اورمیه!

آب های زیر زمینی ما در حال شور شدن است. ادامه این روند یعنی تخلیه ایران از جنوب البرز تا دریاهای آزاد و از شرق زاگرس تا مرزهای شرقی کشور. ما امانتدار بسیار بدی برای این تمدن ۷۰۰۰ ساله بودیم.

زاینده رود ۹۰۰ میلیون متر مکعب از سرچشمه های کارون وارد آن می شود، یعنی نصف آب زاینده رود از سرچشمه های کارون می آید. در استاندارد جهانی هر کشوری که ۲۰٪ از آب های تجدید پذیرش را هر سال استفاده کند هیچ خطری از نظر منابع آب متوجه اش نیست. اگر ۲۰٪ تا ۴۰٪ استفاده شود به شرط مدیریت می توانند در درازمدت منابع آب را تأمین کنند. اما اگر بالای ۴۰٪ استفاده کنند وارد بحران شده اند. دو کشور در دنیا بالای ۴۰٪ استفاده می کنند، اولی مصر است با ۴۶٪ و ایران با ۸۵٪ که این یعنی بزودی همه جای ایران مثل گاوخونی خشک خواهد شد. حتی امروز هم دیر شده است. اگر سیاست هایمان را عوض نکنیم این کشور را همراه نسل خودمان خواهیم کشت.

کارشناسان و دانشگاهیان مستقل معتقدند آب های تجدید پذیر حدود ۹۵ میلیارد متر مکعب است اما وزارت نیرو معتقد است ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آب تجدید پذیر داریم. اگر حرف دانشگاهیان و کارشناسان مستقل را ملاک قرار دهیم، یعنی سالانه ۹۶٪ از منابع آب تجدید پذیرمان را استفاده می کنیم. کاری که ما با آب های زیر زمینی می کنیم، یعنی دزدی از نسل بعد، یعنی نسل گشی که نه تنها آب شیرین را تمام می کنیم، همه کشور را بیابان می کنیم.

در حوضه گاوخونی به اندازه کافی آب از سرچشمه های کارون منتقل می شود و دیگر پتانسیلی برای انتقال آب نیست. آب مصرفی باید کاهش پیدا کند. گاوخونی که در زمان قدیم بدون انتقال آب از کارون زنده بود امروز خشک شده است. هر چه آب هست در بالادست اصفهان بر می دارند. هر چه صنعت آب بر هست در اصفهان ایجاد کرده اند. همیشه همه ی صنایع آب بر را در اصفهان متمرکز کرد. فضای سبز اصفهان از رشت و ساری بیشتر است. نمی شود تاقله کوه صفه در اصفهان درخت کاشت.

دیگر پتانسیل انتقال آب از دیگر حوضه ها را نداریم، همین الان در غرب حوضه شامل غرب اصفهان و چهارمحال و بختیاری حداقل باید ۲۵٪ صرفه جوئی انجام شود. نمی شود هر چه آب هست در بالادست استفاده کنند. ۴۵۰ میلیون متر مکعب آب این منطقه را بالادست دزدیده و باید برگرداند، هیچ راه دیگری وجود ندارد.

برای کل کشور احساس خطر می کنم. پتانسیل برداشت بیش از حد از آب های زیرزمینی را نداریم. سال گذشته برای ۴۴ میلیون نفر غذا وارد کردیم، فقط برای ۳۳ میلیون نفر در داخل کشور غذا تولید کردیم و بیش از این توانائی نداریم و اگر فشار بیش از حد وارد شود مرگ سرزمین ایران سریعتر اتفاق خواهد افتاد.



اهداف و رهنمودهای کشاورزی به سبک ارگانیک

مهندس سیدمحمد حسینی | پژوهشگر علوم زیستی و مدرس دانشگاه

در چند سال گذشته، صنعت تولید غذا بدون سموم و کود شیمیایی در سراسر جهان رشد فوق‌العاده‌ای داشته است. امروزه دیگر فقط بحث غذا و اقتصاد در کشاورزی مطرح نیست، بلکه تولید غذای با کیفیت و پایدار با حفظ محیط زیست مدنظر است. با توجه به مطالب قبلی گفته شده در شماره‌های قبل، بطور کلی بایستی خاطر نشان شد که نظام تولیدی که ترکیبی از تکنولوژی‌هایی با نهاده خارجی کم، حفظ محیط زیست و بهره‌وری باشد؛ درحالی‌که مصرف منابع را کاهش داده و سهم اساسی در توسعه پایدار اکولوژیکی و اجتماعی-اقتصادی دارد. در کل می‌توان گفت که کشاورزی ارگانیک تعاریف گسترده‌ای دارد اما یک ویژگی مشترک این تعاریف، این است که از روش‌های تولید طبیعی محلی استفاده می‌شود، بنابراین مبتنی بر پایداری محلی است اما یکی از ویژگی‌های تولید ارگانیک که آن را از بسیاری از گزیدارهای دیگر جنبش‌های کشاورزی جدا می‌کند، این است که تاریخچه دستورالعملی دارد. حدود ۴۰ میلیون هکتار زمین در دنیا زیر کشت محصول‌های کشاورزی ارگانیک است.



در دانمارک سیاست‌ها متمرکز بر حفاظت از محیط زیست و در آفریقای جنوبی تأکید بر توسعه روستایی دارد. در هند هدف قدرتمند کردن قابلیت رقابت کشاورزان خرده پا است و تأکید بر رقابت با کیفیت نسبت به کمیت، راهبرد بازارهای جزیره‌های کوچک می باشد در حال حاضر نظام کشاورزی در کشور، مبتنی بر نظام متعارف انقلاب سبز، یعنی تولید مبتنی بر استفاده از نهاده‌های شیمیایی است. درصد بالایی از نظام تولید محصول در کشور در محصولات باغی و زراعی مبتنی بر استفاده از نهاده‌های شیمیایی است و تنها قلیلی از مزارع کشور، نظام طبیعی تولید حاکم است که در آن کود و سم استفاده نمی شود. این در حالی است که شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک کشور ما برای توسعه کشاورزی ارگانیک مساعد می باشد، زیرا نهاده‌های مورد مصرف کشاورزی مدرن در این اراضی کمتر بوده و مصرف کودهای آلی در این زمین ها باعث افزایش سریع حاصل خیزی خاک و نفوذپذیری آن نسبت به آب می گردد.

کشورمان اکنون جایگاه ویژه ای در انجمن های جهانی فعال در این عرصه دارد. دانشمندان حوزه کشاورزی ارگانیک در سال های اخیر به ایران سفر و بر جایگاه ویژه کشورمان در تولید محصول های با ارزش ارگانیک کشاورزی تأکید کرده اند. فدراسیون جهانی جنبش کشاورزی ارگانیک (IFOAM) فقط در سه کشور نمایندگی دارد که شامل: فرانسه، ژاپن و ایران است و این موضوع نشان دهنده جایگاه و اهمیت کشورمان در این عرصه است. در ایران کشاورزان موفق در این عرصه روز به روز در حال بیشتر شدن هستند. بطور نمونه باید گفت که «مهندس کریم باباجانی» یکی از کشاورزانی که توانست محصول برنج ارگانیک در مازندران تولید کند. وی برنج ارگانیک به نظارت شرکت BCS آلمان و «پروفیسور ابرمیر» گواهی تأیید گرفت. کشور ما در حال وارد شدن به نسل سوم کشاورزی ارگانیک است. نسل نخست را مربوط به فلسفه ارگانیک، نسل دوم را قوانین و استانداردها و نسل سوم ورود به مباحث علمی است. در چشم انداز توسعه کشاورزی اروپا تا سال ۲۰۲۰ میلادی، توجه ویژه ای به تحقیق در زمینه ارگانیک در مدارس و دانشگاه ها شده است.

سیاست‌های کشاورزی ارگانیک از کشوری به کشور دیگر و از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت می باشد. در برخی مناطق دنیا مانند: شیلی سیاست‌های متمرکز بر کسب درآمدهای صادراتی است. تولید ارگانیک در مالزی بدین منوال پیش می رود که باور بر آن است که کشاورزی ارگانیک را راهی برای حمایت بازارهای داخلی و کاهش واردات باشد.

این بخش از کشاورزی اهدافی دارد که علاوه بر موارد گفته شده در شماره های پیشین، این مقاله که بصورت کلی بازگو شد در این بخش مهمترین اهداف اساسی در تولید و فرآیند ارگانیک (IFOAM, ۱۹۹۸) گرد آوری شد:

● تولید غذا با کیفیت بالا با مقدار کافی.
● تعامل سازنده و ارتقاء دهنده با نظام‌ها و چرخه‌های طبیعی.

● بهبود اکوسیستم‌های پایدار و ارزشمند.

● حفظ و بهبود حاصلخیزی بلندمدت خاک.

● درنظر گرفتن اثرات اجتماعی و اکولوژیکی وسیعتر تولیدات و سیستم‌های فرایندی ارگانیک.

● بهبود و ارتقاء چرخه‌های بیولوژیکی در چارچوب نظام کشاورزی، میکروارگانیسم‌ها، خاک، گیاه و حیوانات.

● حفظ تنوع ژنتیکی نظام تولیدی و محیط آن، از جمله: حفظ گونه‌های گیاهی و سکونتگاه های حیات وحش.

● بهبود استفاده سالم و مناسب از آب، منابع آبی، و تمام موجودات زنده آن.

● ایجاد تعادل بین تولید محصولات زراعی و محصولات دامی.

● استفاده تا سرحد ممکن از منابع تجدیدپذیر در نظام‌های تولیدی مدیریت شده محلی.

● احیای شرایط زندگی دام‌ها با درنظر گرفتن جنبه‌های اساسی رفتاری آنها.

● تولید محصولات ارگانیک قابل درجه بندی.

● اجازه درگیر شدن همه افراد در تولید و فرآوری محصولات ارگانیک با کیفیتی که برطرف کننده نیازهای اساسی زندگی آنها باشد و سود کافی و رضایت کننده از کار، از جمله محیط امن کاری را ایجاد کند.

● پیشرفت به سمت زنجیره‌های تولید، فرآوری، و توزیع سراسری که هم از لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ اکولوژیکی مسئولیت پذیر باشد.

● بر همین اساس بطور کلی سازمان تحقیق کشاورزی ارگانیک (FIBL) رهنمودهای زیر را برای تولید ارگانیک ارائه داده است که بدین شرح می باشد: استفاده نکردن از هیچگونه نوع کود شیمیایی، عدم استفاده از آفت‌کش‌ها (از جمله: علف‌کش‌ها، حشره‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها)، استفاده نکردن از گونه‌های اصلاح شده ژنتیکی (GM)، تناوب زراعی (عدم کشت مداوم یک محصول در دو سال متوالی)، ثبت و ضبط مدارک و سوابق برای بررسی تأییدیه.

دانشتنی های جالب درباره تاریخچه ووشو

استاد شکوفه دیوانی

بانوی تای چی ایران

ووشو یک ورزش سنتی چینی است که دربرگیرنده ی تمرینات داخلی و خارجی می باشد و حرکات رزمی، بعنوان عناصر تشکیل دهنده آن و تمرینات بهم پیوسته و مبارزه آزاد بعنوان فرم های آن بشمار می آیند. ووشو در چین دارای قدمتی کهن است که به زمان های تشکیل نخستین صورت از اجتماعات خانوادگی در جوامع اولیه بازمی گردد. در آن زمان ورزش «ژی» از نوعی کششی به نام «جیائودی» و حرکت «وو» از تمرینات «سپر» شکل گرفته و پای به عرصه وجود نهادند.



این نخستین شکل گیری ورزش ووشو بود که برای سلامتی، درمان بیماری ها، افزایش طول عمر، فرونشاندن خشم، و تعلیم مهارت های نظامی به افراد آن جوامع بکار گرفته شد. در این میان نقش راهب هندی «بودهیدهارما» که با اسامی «داروماتاشی و تامو» نیز از وی یاد می شود، در گسترش ورزشهای رزمی سرزمین چین به چشم می خورد. این راهب هندی حدود پنج قرن قبل از میلاد با هدف ترویج آموزه های دینی از هند راهی چین شد. وی پس از عبور از کوه صعب العبور هیمالیا به چین رسید و در معبدی به نام «شائولین» مستقر گردید. پیروان راهب تامو به جهت ضعف جسمانی تحمل آموزشهای وی را نداشتند، لذا «تامو» حرکاتی را برای تقویت بنیه جسمانی شاگردانش ابداع کرد که به ۱۸ حرکت دست لوهان معروف شد. این حرکات به تدریج گسترش یافته و توسط اساتید مختلفی از معبد «شائولین» صادر شدند. در دوران سلسله «شانگ» و «ژو» حرکاتی از ووشو بوجود آمدند که برای آموزش سربازان بکار گرفته شد. با ایجاد کاربرد نظامی برای ووشو رفته رفته حرکات رزم با شمشیر، نیزه و چوب بوجود آمدند. ظهور گروههای نمایشی خیابانی بنام «لوکی» که از طریق نمایش حرکات رزمی امرار معاش می کردند، نیز به نوبه ی خود موجب گسترش هر چه بیشتر ووشو گردید.

دوران سلطنت سلسله های کوئینگ و مینگ را می توان عصر شکوفایی ورزش ووشو بشمار آورد. در این دوران مدارس مختلفی مانند «زین گی چوان» یا مشت زنی با فکر با «کواژانگ» یا مشت هشت دیاگرام و «تای چی چوان» بوجود آمدند.

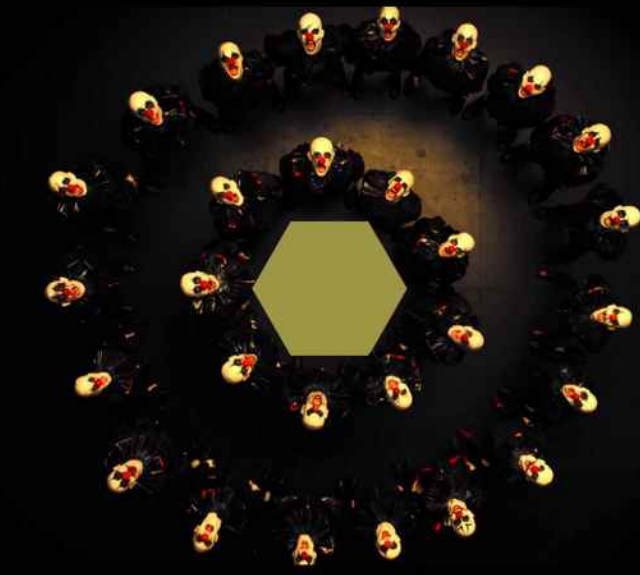
در سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۴۹ سازمان های بسیاری در چین برای ورزش ووشو تشکیل شدند که از آنجمله می توان از انجمن های هنرمندان رزمی و تربیت بدنی نام برد. این مراکز در گسترش و اشاعه ورزش ووشو نقش مهمی ایفا کردند. در سال ۱۹۲۸ انستیتو مرکزی ووشو توسط دولت جمهوری «درنان چینگ» تشکیل شد. در سال ۱۹۳۹ نخستین تیم ملی ووشوی چین در یازدهمین دوره بازیهای المپیک برلین یک مراسم نمایشی اجرا کردند.

با تأسیس جمهوری خلق چین، ووشو به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی و تربیت بدنی مردم درآمد. در سال ۱۹۵۶ انجمن ووشوی چین در پکن تشکیل شد که با اشاعه حرکاتی همچون فرم ساده شده «تای چی چوان»، «چانگ چوان»، «حرکت شمشیر پهن و باریک»، «نیزه و چوب» در سطح مبتدی، متوسط و عالی موجب همگانی شدن ورزش ووشو گردید.

در سال ۱۹۵۸ نخستین پیش نویس «قوانین مسابقات ووشو» توسط کمیسیون ورزش و تربیت بدنی ایالتی گردآوری و تنظیم شد. با راهنمایی های همین کمیسیون و انجمن ووشوی چین، انجمن ها، اتحادیه ها، مدارس ووشو، انجمن های تحقیقاتی، تیم های آماتوری و حرفه ای در مراکز آموزشی در سرتاسر چین شبکه عظیمی از فعالیتهای جمعی ووشو را به وجود آوردند. انجمن هایی که در کالج ها و دانشگاهها تشکیل شدند، رشته تخصصی ووشو را برای دانشجویان رشته لیسانس و فوق لیسانس دایر کردند.

در سال ۱۹۸۴ درجه استادی ووشو توسط مجلس ایالتی تعیین شد و با تصویب دولت چین در سال ۱۹۸۶ «انستیتو تحقیقات ووشوی چین» تشکیل شده و به عنوان عالی ترین مرجع، هدایت فنی و آکادمیک ووشو را برعهده گرفت. در این زمان، دولت چین با برپایی مسابقات بین المللی؛ ورزش سنتی خود را به جهانیان معرفی کرد. در سال ۱۹۷۸ نخستین دوره مسابقات آسیایی ووشو WFA تأسیس گردید. دومین دور مسابقات آسیایی ووشو در سال ۱۹۸۹ در هنگ کنگ برگزار شد و در سال ۱۹۹۰ و طی یازدهمین دوره بازی های آسیایی پکن، این ورزش رسماً به عنوان یک رویداد بین المللی رقابتی مطرح گردیده و فدراسیون جهانی این رشته به نام IWF تشکیل شد و فعالیت خود را آغاز نمود. اولین دوره مسابقات این رشته در سال ۱۹۹۱ برگزار گردید و دوره های بعدی هر دو سال یکبار انجام شدند.

جوان و پیر هر دو در برابر فرقه ها آسیب پذیر هستند!



در سالهای اخیر، ما شاهد نفوذ و عضوگیری فرقه ها در تمام اقشار جامعه بوده ایم. فرقه ها علاوه بر شهروندان معمولی، بدنبال ستارگان سینما و سایر شخصیت های هنری و معروف، همین طور حرفه ای های صاحب نام پزشکی و رهبران اقتصادی می روند. اخیراً، فرقه ها به دنبال افراد مسن بخصوص زنان بیوه رفته و امید دارند که ارثیه و دارایی آنان را به چنگ آورند. درست مثل عقربه قطب نما که به طرف قطب مغناطیسی جا به جا می شود، هر کجا که پول باشد، فرقه ها هم هستند. زنان بیوه و سالمند علاوه بر داشتن پول، اغلب آسیب پذیر و تنها هم هستند.

سرکردگان فرقه ها به طور خاص، در عضوگیری زنان مسن موفق هستند. این فرقه ها به اعضایشان توصیه می کنند که برای افراد مسن به خرید رفته و مرتب به دیدارشان بروند، تا آنها را جذب گروه کنند. وقتی یک فرد مسن جذب شد، از وی خواسته می شود، که دارایی اش را بفروشد و پول آنرا به فرقه بدهد. برخی دیگر از فرقه ها جوانان را مورد سوءاستفاده قرار می دهند، این گروه ها در حالی که با اسامی مختلفی با نوید دادن "بهشت" شناخته می شوند، کلاس هایی را به شکل مؤسسات، انجمن ها، جمعیت ها، سمینارها، برنامه های شام و ناهار، مجموعه ها، و جلسات مباحثه تشکیل می دهند و تبلیغ می کنند. این قبیل گروهها که نام سرکرده ی آنان هرگز در تبلیغات مطرح نمی شود، بیشتر افراد ۲۰ تا ۳۰ سال و زنان را هدف قرار می دهند.

آنان سمینارهای مجانی در خصوص موضوعاتی از قبیل: مدیتاسیون، متافیزیک، برتری در کار، موفقیت اقتصادی و کسب قدرت را عرضه می نمایند. وقتی فردی به دعوت شخصی یک مبلغ پاسخ مثبت می دهد، پروسه عضوگیری به شکلی مثل آنچه در زیر می آید- همانطور که توسط اعضای سابق و خانواده های اعضا گزارش شده است- شروع می شود. اول، طی سمیناری مجانی، شرکت کنندگان معینی برای عضویت انتخاب می شوند. به آنها به طور فردی یا توسط رئیس سمینار مراجعه شده، رابطه دوستی شخصی برقرار می شود. دوم، فرد جدید به سفری که تمام هزینه های آن پرداخت شده است، جهت شرکت در سخنرانی سرکرده که در شهر دیگری برگزار می شود؛ دعوت می شود. سوم، بعد از شنیدن یکی دو سخنرانی، از افراد جدید دعوت می شود تا در یک شام رسمی با حضور سرکرده شرکت کنند. همزمان، فرد عضو گیر که اکنون دوست شخصی و معلم فرد جدید شده است از او می خواهد تا یکی از شاگردان سرکرده شود. اینجا سرکردگان از تکنیک های متعددی استفاده می کنند، تا افراد جدید را جذب نمایند. او از صوت و حرکات دست خود و همچنین کنترل گرما، نور و صدای سالن جهت هیپنوتیزم گروهی استفاده می نماید. به افراد جدید گفته می شود که افرادی برگزیده هستند، که اینک سرکرده می تواند به آنها کمک کند تا صاحب عقل و قدرت شوند. در این پروسه، فشار شدیدی بر افراد جدید وارد می شود تا تسلیم شوند. آنان مرکز محبت و توجه اعضای سابق قرار می گیرد و این احساس به آنان القاء می شود، که افرادی خاص هستند.



سیری در تاریخ

دکتر مهرانگیز منوچهریان نخستین سناتور زن در ایران

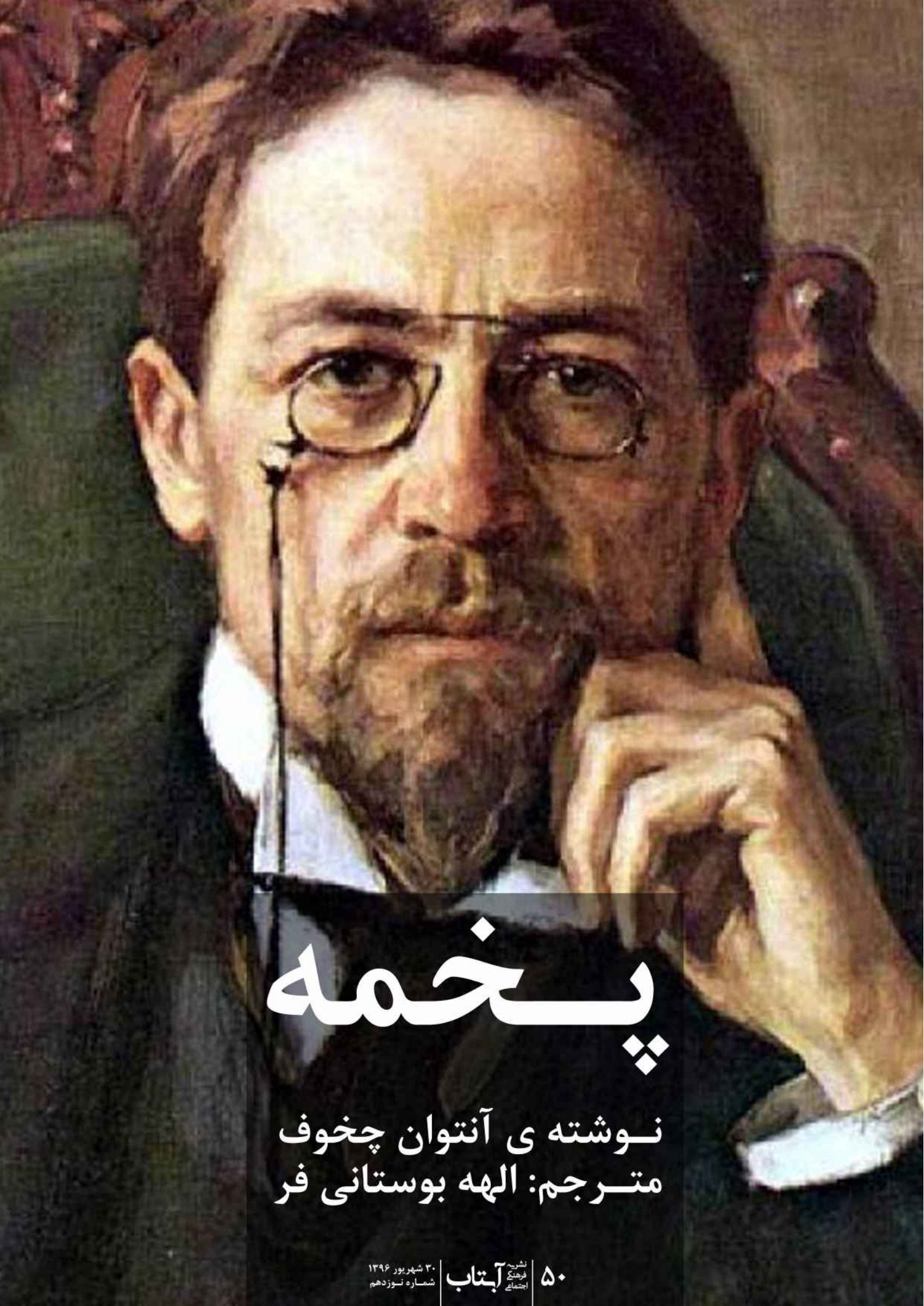
«مهرانگیز منوچهریان» در سال ۱۲۸۵ در مشهد به دنیا آمد. او در سال ۱۳۲۵ همراه با ۱۳ دختر دیگر از نخستین دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود. منوچهریان این رشته را تا کسب دکترا ادامه داد. او با «دکتر حسینقلی حسینی نژاد» استاد دانشکده حقوق ازدواج کرد. او از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ سناتور مجلس سنا بود. دکتر مهرانگیز منوچهریان، کتاب «انتقاد بر قانون اساسی ایران از نظر حقوق زن» را چاپ کرد. وی در سال ۱۹۶۸ موفق به دریافت جایزه صلح حقوق بشر شد. منوچهریان، در حدود ۴۲ کتاب و رساله در زمینه های روانشناسی، حقوق تطبیقی و اجتماعی در داخل و خارج کشور به چاپ رساند.

مهم ترین آثار قلمی وی عبارت اند از:

- ۱ - انتقاد از قوانین اساسی و مدنی و کیفری ایران از نظر حقوق زن سال ۱۳۴۲
- ۲ - طرح قانون خانواده بر مبنای اصل تساوی حقوق زن و مرد
- ۳ - وضع حقوقی زن در جهان، ترجمه سال ۱۳۴۲
- ۴ - نابرابری های حقوقی زن و مرد در ایران و راه اصلاح آن
- ۵ - مسأله جرائم اطفال

او در بعضی از مجامع از جمله: انجمن آمریکایی حقوق بین الملل، کمیته مکاتبات وابسته به شورای ملی زنان آمریکا، اتحادیه بین المجالس، اتحادیه بین المللی زنان حقوقدان، عضویت داشت.

او نمونه ای از زنان تحصیلکرده و صریح و شجاع و شایسته بود که در تمامی عمر خود را برای حفظ حقوق بانوان در ایران قاطعانه مبارزه کرد. وی در ۱۴ تیر ماه ۱۳۷۹ درگذشت و در بهشت زهرا قطعه ۷۴، ردیف ۱۱۸، شماره ۷۸ به خاک سپرده شد. خاطره اش همواره گرمی خواهد ماند.



پخمه

نوشته ی آنتوان چخوف
مترجم: الهه بوستانی فر

چند روز قبل «یولیا واسیلوونا» پرستار بچه هایم را برای مباحثه به اتاق کارم دعوت کردم. باید با او تسویه حساب می کردم. به او گفتم: «یولیا واسیلوونا» بفرمائید بنشینید تا به حسابمان رسیدگی کنیم حتما شما به پول نیاز دارید، ولی آنقدر تعارفی و خجالتی هستید که خودتان هرگز نخواهید گفت، خوب بگذار ببینم توافق کرده بودیم که ماهی سی روبل به شما بپردازم.

- می بخشید، قرارما چهل روبل بود.

- خیر، سی روبل، در دفترچه ام یادداشت کرده ام. من همیشه به پرستار بچه هایم بیشتر از سی روبل دستمزد نمیدهم، ببینید، شما دو ماه است که مشغول به کارید.

- عذرمی خواهم، دو ماه و پنج روز

- درست دو ماه است، طبق چیزی که در دفترچه یادداشتم نوشتم دقیق دو ماه است. پس باید به شما شصت روبل بدهم. خوب به این ترتیب نه روز یکشنبه را هم کم می کنیم شما خودتان می دانید که روزهای یکشنبه از پسر من «کولیا» مراقبت نمی کردید، روزهای یکشنبه را برای قدم زدن و گردش بیرون بودید و در این دو ماه غیر از یکشنبه ها سه روز تعطیل دیگر هم داشتیم، «یولیا» از شدت خشم و عصبانیت صورتش سرخ شد و گوشه ی لبانش را به شدت تکان میداد، اما یک کلمه هم نگفت.

سه روز تعطیلی، پس دوازده روبل کم میشود... چهار روز هم پسر مریض بوده و نیازی به مراقبت شما نداشته... سه روز هم شما دندان درد داشتید و همسرم اجازه داد که دور از بچه ها بعد شام استراحت کنید، دوازده و هفت می شود نوزده، خوب از شصت روبل نوزده تا کم کنم می شود، چهل و یک روبل، درسته؟

چشم چپ «یولیا واسیلوونا» قرمز و پر از اشک شد، چانه اش لرزید و با حالت عصبانی شروع به سرفه کرد و اشکش را پاک کرد و آب بینی اش را گرفت، اما چیزی نگفت. شب عید سال نو، شما یک فنجان و نعلبکی اش را شکستید، دو روبل هم به این دلیل کسر می شود، هرچند قیمت این فنجان خیلی بیشتر است چون یادگار خانوادگی بوده اما... به خاطر بی توجهی شما، «کولیا» پسر من به بالای درخت رفته و لباسش را پاره کرده است، بنابراین ده

روبل هم اینجا کسر می شود. بازهم به دلیل

بی دقتی شما خدمتکاری که آورده بودیم، یک جفت کفش دخترم «وانیا» را دزدید. شما باید حواستان را جمع می کردید، به هر حال برای این کار حقوق خوبی می گیرید، خوب پنج روبل هم اینجا کم می شود... در تاریخ دهم ژانویه شما ده روبل از من دستی گرفتید. «یولیا واسیلوونا» آهسته و زیر لب گفت:

"من چنین پولی نگرفتم."

- ولی من اینجا یادداشت کردم.

- خوب، حالا که می فرمائید احتمالا درست است!

- از چهل و یک روبل، بیست و هفت روبل کم کنید، می شود چهارده روبل.

چشمانش پر از اشک شد و روی بینی کوچک و ظریف دختر جوان قطرات عرق نمایان شد، دخترک بیچاره با صدای لرزان در حالیکه اشک روی گونه هایش می غلتید گفت: من فقط یکبار پول دستی گرفتم، من از خانم شما فقط سه روبل دستی گرفتم، نه بیشتر!

خاطرات زندگی یک آزاده

به قلم بانو صدیقه انجم شعاع قسمت اول - ازدواج

انگشتر طلا، لباس، قند، چایی، گلدان گل مصنوعی. اینها را آورند و گذاشتند گوشه ی اتاق. من توی آشپزخانه بودم. بیرون نیامدم. قرارها را با هم گذاشتند: «شیرینی خرما باشد و شام هم آبگوشت.»

وقتی رفتند، بابام اوقاتش تلخ شد. گفت: «قرار نبود وسیله ای بیاورند.»

مرتضی دوباره رفت جبهه. این بار با دعای خیر من پشت سرش... مواظب خودت باش.

در ادامه آقای مرتضی عسکری نیز خاطره خود را از ازدواجشان اینگونه شرح دادند که به ازدواج فکر نمی کردم. همه ی هوش و حواسم به کار و جبهه بود. مادرم و عمه ام زمزمه ی زن گرفتن را انداختند توی سرم. گفتم هنوز فرصت هست. منتظر نظر من نشدند. خودشان پیشنهاد دادند... زهرا دختر سیدمصطفی. سیدمصطفی احمدی موسوی خانواده ی محترم سادات بودند. همسرش حاجیه بی بی نعیمه هم سیده بودند. توی ده همه به آن ها احترام می گذاشتند. هم از نظر سادات بودن، هم از اخلاق و معاشرتشان.

مادر و خواهرم رفتند خواستگاری و بله را گرفتند و قرار و مدار عروسی را گذاشتند. خودم توی جلسه شان حضور نداشتم. به مادرم قول دادم بعد از جبهه و عملیات می چسبم به زن و زندگی و خانه. قولم بدقولی شد. کسی نمی دانست بین این خواستگاری و عروسی ۲۷۰۰ روز فاصله می افتد تا پائیز ۱۳۶۹.

همسر آزاده مرتضی عسکری خانم سیده زهرا احمدی موسوی هستند که خاطره ی ازدواج خود را اینگونه تعریف می کنند.

از قبل همدیگر را می شناختیم. توی یک روستا بودیم. قوم و خویش بودیم. سیدمصطفی پدر من، پسر دایی پدر علی پهلوان می شد. هنوز زمستان بود. آماده می شدیم برای کارهای عید نوروز. یک روز که من خانه نبودم، عمه ام آمده بود. وقتی آمدم خانه مادرم گفت عمه آمده بود خواستگاری از شما برای مرتضی علی پهلوان. تا آن روز خواستگارهای زیادی داشتم. البته پدر و مادرها مستقیم به دخترها نمی گفتند. یک وقتی از زبان شان در می رفت و ما می شنیدیم. یک وقتی هم توی ده خبرش به گوش مان می خورد. همیشه هم پدر و مادرها جواب خواستگارها را می دادند. کمتر پیش می آمد نظر ما را هم بخواهند. آن روز مادرم به من موضوع را گفت و من جواب دادم نه. می شناختمش ولی رفت و آمد نداشتم. پدرهایمان بیشتر همدیگر را می دیدند. مرتضی را دیده بودم تا وقتی که می رفتیم مدرسه. پدرم که آمد، مادر گفته بود: «سید، با زهرا صحبت کنید که قبول کند.»

پدرم گفت: «می روم کرمان توی بسیج تحقیق.» پدرم می گفت: «مرتضی چند سال کرمان بوده باید بروم از محل کارش تحقیق کنم.» بالاخره من قبول کردم. توی ایام عید آمدند نشان آوردند. هاجر مادرش و خواهرش کبری. همراه عمه اش. یک جلد قرآن هم دستشان بود. خود مرتضی نبود.

چند روزی از خواستگاری و اسم گذاشتن روی دختر سیدمصطفی نگذشته بود که از طریق اطلاعیه صدا و سیما گردان حسین بن علی (ع) فراخوان زدند. من هم جمعی همین گردان بودم. می بایست به رزمندگان منطقه عملیاتی مهران ملحق شویم. دوباره به منطقه اعزام شدیم. از دشت عباس به موسیان و دهلران و در نهایت مهران. شب نشده حمید شفیعی فرماندهی گردان دستور حرکت داد. پیاده راه افتادیم تا کنار رودخانه ی گاوی. حرکت آب رودخانه به سمت عراق بود و هر حرکتی مثل به هم خوردن آب یا گل آلوده شدن آن می توانست عراقی ها را از وجود ما با خبر کند. بعد از پنج شش ساعت راه رفتن، کنار رود دستور توقف داده شد. استراحت کردیم تا شب برسد. شب هفتم مرداد ۱۳۶۲، عملیات والفجر ۳. با محمد زینلی فرمانده گروهان و دو تای دیگر از بچه ها، اسلحه های مان را کنار هم ایستاده نگهداشتیم به شکل مخروط. چفیه ای انداختیم روی اسلحه ها و سایبان کوچکی درست کردیم. چهار نفری سرهای مان را گذاشتیم زیر این سایبان و بقیه تنمان زیر آفتاب بود. خستگی راه خواب را به چشمانم آورد... بیابان بزرگی پیش رویم بود. من در بیابان می رفتم. زمین زیر پایم پوشیده از مارهای کوچک و بزرگ و رنگارنگ بود. ترس نداشتم. نگران نبودم. همانطور می رفتم تا اینکه وارد منطقه ای شدم که مارهایش حالت تهاجمی داشتند. به من حمله کردند و مانند طناب از مچ پا تا دور گردنم پیچیدند. پیچیدنی با فشار. فشار مارها آنقدر زیاد بود که احساس کردم دارم خفه می شوم. از خواب پریدم. بدنم خیس عرق شده بود. سه برادر دیگر هم از خواب بیدار شدند. آن ها هم در این مدت کم، خواب دیده بودند. خواب هایی مشابه رؤیای من. باید منتظر تعبیر خواب هایمان می ماندیم.

ادامه دارد.....

درس‌هایی کوچک در باب مقولاتی بزرگ

لیشک کولاکوفسکی

مترجم: روشن وزیری



زنی که دارای سلیقه‌ی نوکیسه‌هاست مانند درخت کریسمس به سرتاپای خود جواهر می‌آویزد، حال آنکه زن شیک‌پوش و خوش‌سلیقه در آرایش خود جانب احتیاط را رعایت می‌کند و از خودنمایی می‌پرهیزد. احتمالاً همه به این نکته اذعان داریم که اعتدال عنصر ضروری برازندگی است. مؤلفی، زیبا و برازنده می‌نویسد که بتواند متن خود را از اضافات غیرضروری پاک کرده و مطلب را چنان بیان کند که خواننده صورت یکپارچه‌شایسته‌ی محتوا را بیابد و احساس کند که محتوا تا آنجا که موضوع اجازه می‌دهد، روشن و شفاف است. نقطه‌ی مشترک میان زن برازنده، مسابقه‌ی برازنده‌ی فوتبال، کتاب برازنده‌ی تاریخی، ارتفاع برازنده‌ی بنا و دلیل برازنده‌ی ریاضی در کجاست؟ شاید برازندگی عمدتاً به اعتدال، فقدان خودنمایی و آنگونه‌سادگی برمی‌گردد که به چشم دیگران تصویری از آراستگی و هماهنگی کامل میان صورت و معنا را تداعی می‌کند. برازندگی به آسانی قابل تشخیص است و به بیانی، حکایت از ادب و نزاکت فرد دارد، حال آنکه سعی در خودنمایی از راه تحقیر دیگران و یا به رخ کشیدن ثروت یا منصب خود به سایرین، بیانگر خامی و بی‌تربیتی است!

حکایت

تنظیم و تحریر از محمدعلی کیهانی

پیرزنی یک همسایه داشت که به گمان وی خدانشناس بود. وی هر روز و هر شب با صدای بلند همسایه ی خدا شناس را لعنت می کرد و می گفت: خدایا جان این همسایه ی مرا بگیر، بطوری که مرد همسایه صدایش را می شنید. زمان گذشت. پیرزن بیمار شد و دیگر نمی توانست غذا درست کند ولی در کمال تعجب غذایش به موقع در خانه اش گذاشته می شد. پیرزن می گفت: خدایا ممنونم که بنده ات را فراموش نکردی و غذایم را در خانه ام می فرستی و لعنت بر آن خدا شناس. روزی از روزها پیرزن خواست تا غذایش را بردارد و در کمال ناباوری دید که همان همسایه برایش غذا می گذارد. از آن روز به بعد پیرزن از روی جهل می گفت: "خدایا ممنونم که این شیطان را وسیله کردی تا برای من غذا بیارود. من تازه حکمت تو را فهمیدم که چرا جانش را نگرفتی!"

دیگران را قضاوت نکنیم!



یک بغل مهربانی

صبح شد دوباره
یک صبح زیبا
خورشید خانوم درآمد
عطر گل و شکوفه
بوی خوش گل یاس
با یک بغل مهربانی
می سراییم ترانه ای شاد
در آغوش فرشته ای زیبا
بعد از گردش و چرخش
شب میاد دوباره
میشه آسمان پر از پولک ستاره
وقتی که ستاره ها چشمک زدند
ماه زیبا لالائی خواند
برای من و تو
کودکانه

شاعر ۸ ساله؛ نکیسا رجائی خراسانی

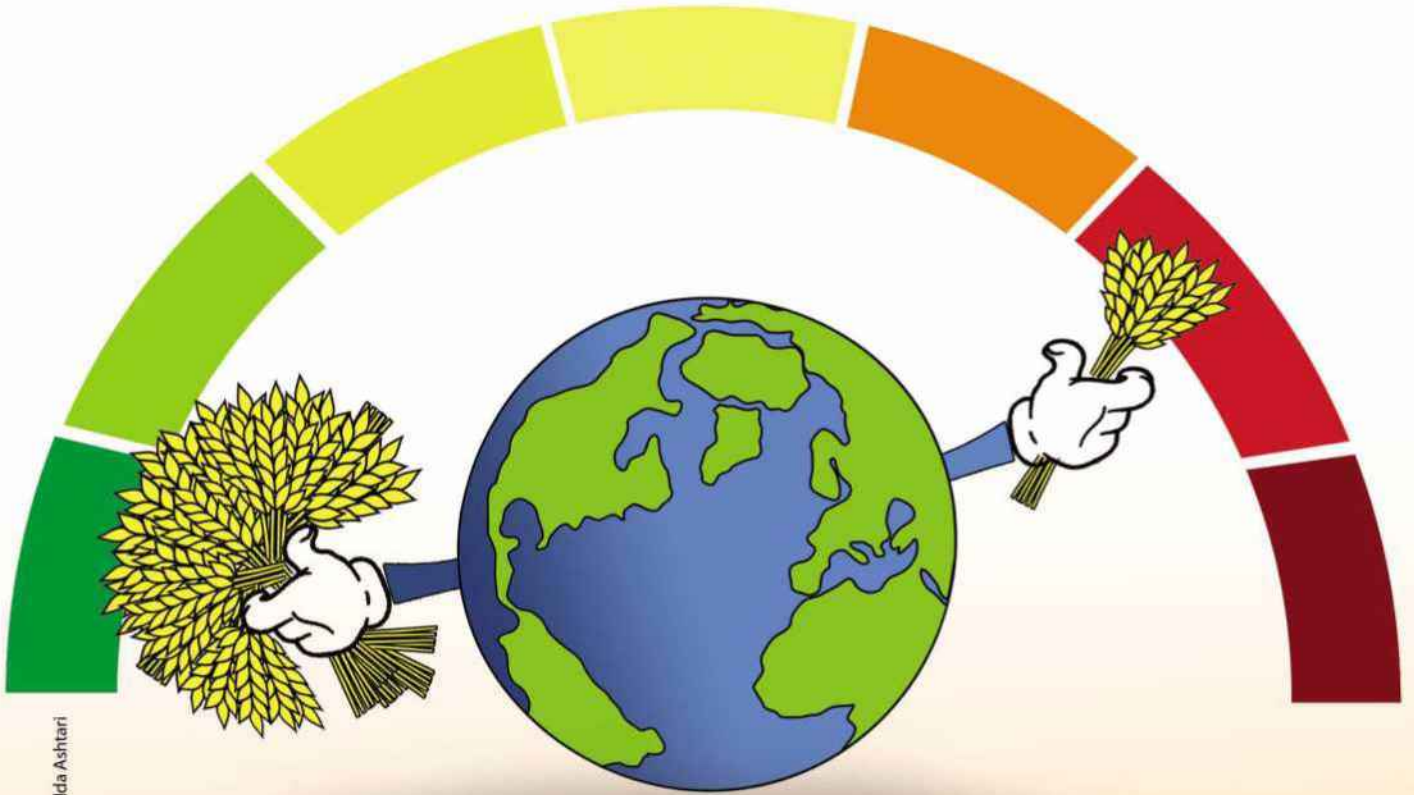
سکوت

دخترکی پر آشوب با قامتی بلند
و دامنی آراسته
بر فراز کلبه ی رؤیاهایش قد افراشته
است
در آسمان تیره و تار دلش
ابرها سر به هم آورده اند
و غم غریبی را به دل می کشند
پاهایش ریشه در خاک غم دارند
هرچند، گاه گاهی در دستانش سوسوی
شعفی مبهم موج می زند
آسمان کبود دلش بارها اسیر باران
دلتنگی بوده
اما
او مرواریدهای اشکش را در پشت پنجره ی
سکوت پنهان کرده
تا هیچ کس آنها را به سخره نگیرد
همجمه ی نامهربانی ها بال پرواز او را
شکست
اکنون ... اینجا
مدفن رؤیاهای زندگی عروسکی شاد
است
همان که روزی روزگاری
صدای پریاهوی عشق و امیدش
رنگ زندگی به فضای سرد دنیا می
بخشید
او گاهی در خلوت بی رنگ سکوتش
قطره اشکی می ریزد
و از خود می پرسد
اگر زندگی این است
پس چرا زنده ام؟

مهسا



برنامه
جهانی غذا



WFP/Yalda Ashtari

در دنیا غذای کافی برای همه وجود دارد

اما مشکل اینجاست که بسیاری از مردم دنیا درآمد کافی برای تهیه غذا نداشته و یا به غذای مغذی و سالم دسترسی ندارند.
برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد بزرگترین آژانس بشردوستانه دنیا در مبارزه با گرسنگی در تلاش است تا با ارائه کمک های غذایی و همکاری با جوامع در هنگام بحران به بازسازی وضعیت معیشت آسیب دیدگان بپردازد.

با ما همراه شوید

بانک تجارت، بنام برنامه جهانی غذا

شماره کارت جهت واریز کمک های نقدی ۵۸۵۹ ۸۳۷۰ ۰۰۴۹ ۶۷۸۲

۲۲ ۸۶ ۳۴ ۹۹

wfpiran

هر روز ۶ کودک مبتلا به سرطان تحت حمایت محک قرار می گیرند.

این یک حقیقت تلخ است؛ اما سال‌هاست با مشارکت شما حمایت از همه کودکان مبتلا به سرطان ایران با امید رسیدن به شیرینی سلامتی محقق شده است.

روش‌های حمایت از کودکان محک:

شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰

۰۲۱-۲۳۵۴۰ *۷۸۰ *۲۳۵۴۰#

از اینکه به پیام ما توجه می کنید، سپاسگزاریم.

تلفن بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org